

ارزیابی وضعیت کنونی

اگر نظری بخواهیم موریسند زیم بقدر کافی تاکت متعدد میتوان یافت گسته دلائلی مبنی برحقانیت گفتار این دسته افراد است. رژیم جمهوری اسلامی پس از سرکوب خونین ۲۰ خرداد حکومت سرور و اختناق را برقرار ساخته است. ابتدا شی ترین حقوق و آزادیهای سیاسی را از توده ها سلب کرده است. هزاران تن از فرزندان انقلابی خلق را بزدان افکنده است. دهها تن را اعدام کرده است. دهها هزار مبارزان انقلابی را از کارخانه ها، ادارات و مدارس اخراج نموده است. مبارزات آشکار توده ها در کارخانه ها، ادارات، خیابانها و محلات بنحویچشمگیری فروکش نموده است. جزئی ترین مخالفت با... به شدت سرکوب می شود. شومی رهیب بقیه در صفحه ۲

توسل رژیم به سرکوب و خشونت و عریان موج اعدامها، بازداشتها و اخراجها، فروکش محسوس در مبارزات آشکار توده ها تخفیف تضادهای درونی هیئت حاکمه و با لافزه حاکم شدن جوارح برای برخی افراد این سؤال را مطرح کرده است که آیا این مجموعه شرایط دلیل بر آن نیست که رژیم جمهوری اسلامی بسوی تشییست موقعیت اقتصادی و سیاسی خویش پیشش می رود و برای یک دوران، بهرانهای کنونی را پشت سر میگذارد؟ آیا بر این اساس لازم نیست که ما پس از رویدادهای ۱۳۰ خرداد دیک تجدید نظر در تحلیلها و چشم انداز اوضاع اقتصادی - اجتماعی و سیاسی بنماشیم؟

هموطنان مبارز علیه فشارها، ظلم و بیدادگریهای رژیم مقاومت کنیم!

اینروزها فشار رژیم ضد خلقی و مزدوران آن بر مردم ما بسیار دوختنا کی گرفته است. تحت جوبوجود امداد زبا زدا شتهای دسته جمعی، شکنجه ها و اعدامهای مبارزان، ظلم و بیدادگری نسبت به هموطنان محروم و زحمتکش ما شدت بیسابقه ای یافته است. رژیم علنا "با استفاده از همه دستگا های تبلیغاتی تیش مردم را به جاسوسی نسبت به یکدیگر وادار میکند. خمینی بعنوان وظیفه شرعی از خانواده ها میخواهد که فرزندان شان را نوبدهند، مواظب همسایگان شان باشند، علیه یکدیگر جاسوسی کنند و مرتب گزارش بدهند. رژیم که از نداشتن سیستم نظیر ساواک (با وجود احیاء ساواک) شدت نازا حت و نگران است و این مسئله را با رها مسئولین امر اذعان کرده اند، میخواهد این "ضعف" زبا وادار کردن مردم به جاسوسی علیه یکدیگر جبران کند.
بقیه در صفحه ۸

انقلاب ویتنام و مجلس مؤسسان

خواهد کرد؟
از آسیای جنوب شرقی تا آمریکای لاتین، از ویتنام تا بولیوی، از سا یگون تا لاپاز، از آن خط سرخی امتداد داده که بر آن، صدها نفر، هزاران نفر، صدها هزار انقلابی، کمونیست و مترقی سیونا لیست، برای برپا شدن دنیای عاری از استثمار و استثمار، دنیای عاری از فقر و تنگدستی، پیگام میکنند.
بقیه در صفحه ۱۳

ما همها پیش از آنکه فرماندها رنسترو چهگوارا، بیام خود را به کنترا انس به قاره بفرستد و اعلام کند: " برای کمک به ویتنام، ویتنام ما ها را زاری برپا کنیم"، فونگوبین جیاب، بران بودگه: "امپریالیسم آمریکا برای مقابله با قیام خلق دومینکن، - دهها هزار نیرو و گسیل داده شده است. اگر بسا دومینکن های دیگری روبرو شود، چه

در این شماره

جنبش جهانی

اخبار کوتاه کارگری

مردم چه میگویند؟

یادداشت های تاریخی

کارگران از انقلاب می آموزند

برولتاریای ایران که یک قیام و دو سال و اندی دوران انقلابی را از سر گذرانده و اکنون ساکوله باری از تحریر به استقبال آینده می رود. در این دوران که هر روز آن بر سر ما همرا و بلکد سا لیا تجربه است، کارگران ما نشان داده اند که از دنیای قابل توجهی بیدار شده اند. کارگرانیکه از حکومت نظامی تا فسرار

خمینی چه گفت؟ خمینی چه کرد؟

صفحه ۱۱

ارزیابی وضعیت کنونی

با بورژوازی تجاری حاکم در تضادی شدید قرار گرفته است. در چنین شرایطی حل بحران اقتصادی و کاسته شدن از فقر و فلاکت توده ها و تخفیف تضادهای میزبان زیاد می گردد.

از سوی دیگر تضاد میان روبنای سیاسی و زیربنای اقتصاد به همراه یک مجموعه تضادها و تناقضاتی در زمینه عوامی دیگر است که رژیم جمهوری اسلامی را در معرض درگیریها و تناقضات حاد قرار داده است که این عوامل نیز سرنگونی رژیم را اجتناب ناپذیر می سازد.

اگر بنا بر این انقلابها و تناقضات را میبایست اروپا در نیمه اول قرن نوزدهم تا انقلابهای ۱۸۴۸ نظری بیافکنیم در میابیم که یکی از عوامل انقلابها و افسار رو سیع جامعه و بورژوازی انقلابهای سیاسی در سالهای ۴۹-۱۸۴۸ محدود شدن قدرت سیاسی در دست افسار محدودی از جامعه بود که سهیچوجه را سالی در جهت رشد نیروهای مولده جامعه نشاندهند.

فصلی در فرا سیه محدود شدن قدرت سیاسی در دست اشرافیت مالی و فئودالی و نیز روحانیت منجر به شدید تضاد میان روبنای سیاسی و زیربنای اقتصاد بود و در عرصه طبقاتی درگیری میان طبقه وسیعی از بورژوازی صنعتی گرفته تا پرولتاریا را دارا رودسته حاکم گردید و با انقلاب ۱۸۴۸ انجام مید. البته در ایران گرچه از نظر محتوای طبقاتی و تاریخی این تضاد هیچگونه وجه تشابهی با فرانسه قبل از سالهای ۱۸۴۸ و نقش بورژوازی صنعتی در جهت رشد نیروهای مولود وجود ندارد، اما در این امر کمترین تردیدی نیست که قیضه قدرت سیاسی توسط نیروهای انگلی (بورژوازی تجاری و روحانیت) که هیچگونه نقش و رسالتی در اقتصاد جامعه و رشد نیروهای مولده ندارند تضاد روبنای سیاسی و زیربنای اقتصاد را بدرجه یک آنتاگونیسم حاد در آورده است. انعکاس این تضاد

آنتاگونیسم در مبارزه طبقات بصورت مبارزه طبیف وسیعی از نا همگون ترین نیروها از بورژوازی بزرگ و متوسط صنعتی فدا انقلابی تا افسار و طبقات انقلابی با معیه علییه قدرت سیاسی حاکم تجلی یافته است.

تضادهای درونی روبنای سیاسی - ایدئولوژیک نیز سوای اینکه تضاد میان روبنای سیاسی و زیربنای اقتصادی را تشدید می کند، کل روبنای موجود را در یک مجموعه تناقضات لاینحل قرار داده است. مذهبی کردن روبنای سیاسی از

نصفه در صفحه ۲

کمانده بود. برای این اساس اگر با وضاع اقتصادی جامعه و شرایط مادی زندگی توده ها نظری بیافکنیم در میابیم که اساسی ترین و پایه ای ترین دلایل تخفیف این تضادها موجود نیست. اگر تضاد میان رشد نیروهای مولده و مناسبات بازدارنده و کهنه اساسی ترین علتی است که انقلابها زاده آن هستند. رژیم جمهوری اسلامی نه تنها گامی هر چند نا چیز در جهت حذف این مناسبات بازدارنده برنداشته است، نه تنها نیروهای مولده را بطریق نادره و زمینه را برای شکوفائی نیروهای مولده هموار نکرده بلکه با سیاستهای ارتجاعی خود نیروهای مولده را به از هم پاشیدگی و اضمحلال سوق داده است. بحران اقتصادی که هم اکنون چندین سال بر تمام ارکان زندگی اقتصادی جامعه سایه افکنیده است، خود به بهترین وجه بیانگر حسد این تضاد نا توانی رژیم جمهوری اسلامی از حل این بحران و با لاشعیه تخفیف نسبی در این تضاد نسبی جامعه است.

رکود در تولید و صنایع، از هم پاشیدگی سیستم مالی و سیر قهرانی در کشاورزی که به همراه خود سیکاری میلیونها انسان، نزول شدید تولید، کمبود محصولات و افزایش سرسام آور قیمتها را دنبال داشته است و بار سنگینی که بر دوش زحمتکش ترین افراد جامعه قرار گرفته است، خود گویا ترین تصویر از وضاع اقتصادی و شرایط زندگی توده ها است.

چگونه میتوان در شرایطی که هیچگونه چشم اندازی در جهت حل این بحران اقتصادی و شرایط فلاکت بار زندگی توده ها در مقابل ما قرار ندارد صحبت از تخفیف تضادها و مبارزه طبقاتی بمیان آورد. روشن است که هیچکس نمیتواند ادعا کند که بورژوازی حتی در دشوارترین شرایط قادر نیست بحرانهای اقتصادی را موقتا حل کند، ناممکن وجود ندارد، ما مکرر در تاریخ چند دهه اخیر شاهد بوده ایم که بورژوازی توانسته است موقتا حتی از وخیم ترین بحرانها نجات یابد. اما شرایط سیاسی حاکم بر ایران و رژیم سیاسی حاکم، یک چنین امری را بعید می نماید. زیرا اکنون قدرت سیاسی در دست یک قشر محدود قرار گرفته است که نه تنها تمامی افسار و طبقاتی را که در تولید و زندگی معنوی جامعه نقش دارند کنار گذاشته است، و با آنها در ستیز قرار گرفته است بلکه آن افسار بورژوازی به ویژه بورژوازی صنعتی را که قادر است تحت شرایطی بحران را مهار کند، از حاکمیت کنار گذاشته و بورژوازی صنعتی

و هراس بر بخش وسیعی از توده ها حاکم شده است. این تصویر است که میتوان از لحظه کنونی جامعه را مشاهده داد. برای این اساس رژیم نیز میگوید که از یکسو این اوضاع را دلیل قدرت و ثبات خود معرفی کند و از سوی دیگر با وعده انجام یاره ای رفرمها توده ها را متقاعد سازد که نه تنها قادر است با اوضاع نابسامان اقتصادی و کاستن از فقر و فلاکت توده ها، سرو سامانی بدهد بلکه در تلاش است گامهای اساسی در جهت منافع توده ها بردارد.

این مجموعه شرایط در نگاه اول هر بیننده ای را متقاعد خواهد ساخت که حتی با کسانیکه است که از یک تجدید نظر در چشم انداز اوضاع سخن میگویند و رژیم جمهوری اسلامی نه بسوی از هم پاشیدگی و سرنگونی، بلکه بسوی یک ثبات و استقرار پیش می رود. اما اگر ما از سطح پدیده ها و آنچه که در لحظه کنونی در جریان است بگذریم و به تحلیل آنچه که در عمق در زیر سطح جریان دار دبیردازیم، به نتیجه ای دیگر سوای آنچه که این دسته افراد تصور می کنند خواهیم رسید و بی خواهیم برد که رژیم با آنچنان تناقضات و تضادهای روبروست که سهیچوجه یارای مقاومت در برابر آنها را ندارد.

واقعیت اینست برخلاف آنچه که در لحظه کنونی ما شاهد آن هستیم و برخلاف ظواهر امور که حکایت از رکودی طولانی مدت در مبارزات توده ها و تثبیت رژیم جمهوری اسلامی دارد در عمق جامعه فعلی و انفعالاتی در جریان است و تضادهای عمل می کنند که رژیم را با یک مجموعه تناقضات لاینحل روبرو ساخته و بسوی شدید بحرانهای موجود و سرنگونی اجتناب ناپذیر آن را می دهد. ما مکرر در نوشته های خود توضیح داده ایم که اگر کسی بخواهد بر اساس دیکتاتور و سرکوب چگونگی تحولات جامعه را ارزیابی کند، چنین فردی اساسا "با مارکسیسم - لنینیسم بیگانه است و ما تریالیسم تاریخی را درک نکرده است. ما گفتیم که دیکتاتور و سرکوب هر چند در حدیک عامل ذهنی میتواند در مبارزات توده ها و موفقیت سیاسی رژیمهای حاکم تاثیر بگذارد، اما بهیچوجه به تنهایی و بی برای مدتی طولانی قادر نیست مبارزات توده ها را بسازد و موقعت مستحکم می برای رژیم های ارتجاعی ایجاد کند، بلکه اگر قرار است در مبارزات توده ها رکودی - بالکسیه طولانی مدت صورت گیرد، لزوماً لازم است تخفیف نسبی تضادهای است که توده ها را سرور مبارزه فعال و آشکار

استقلال - کار - مسکن - آزادی



کارگران از انقلاب میآموزند

بقیه از صفحه ۱

منافع طبقاتشان به تجزیه و تحلیل می‌کشند و در باره آن اظهار نظر میکنند. امروز دیگر برکمی یوشیده نیست که "علاقه طبقاتی، پرولتاریا را به اتحاد، بسط مبارزه علیه سرمایه داران، به تفکر درباره پیش شرط‌های رهاشی خود و امیدارد." و در چنین شرایطی است که پرولتاریای ایران نشان میدهد که اکنون بیش از هر زمان دیگری نیاز به این دارد که آگاهی سیاسی از نیروی این طبقه بیرون آن برده شود. این امروزیک وظیفه انقلابی است. در شرایط امروز ما، پرولتاریا با همان غریزه طبقاتی خود آنچنان - قضا را بررسی میکند که گویا با پذیرش سوسیالیسم علمی فاصله چندانی ندارد. مسلماً این ساده لوحی است که فکر کنیم سوسیالیسم بطور خود بخودی بر تفکر، احساس و اندیشه کارگران ما سبب خواهد انداخت. اما تحولات سیاسی در این مدت دو سال و اندی بقدری سریع بوده و آنچنان کارگران ما را تا کنون داده است که بی هیچ تردیدی باید پذیرفت در دوران انقلاب میلیونها و دهها میلیون تن از مردم در هر هفته بیش از یکسال زندگی عادی و خواب آلود چیزی میآموزند. (التمین - درسهای انقلاب)

امروز آنچه که در گفتار و نظرات و بحث‌های کارگران در کارخانه‌ها و کارگاهها جریان دارد و آنچه که در حرکات و واکنش‌ها و عکس العمل‌های آنان دیده میشود، نشان دهنده این واقعیت است که آنان، جزء به جزء، و قدم بقدم تجربیات زندگی دو ساله خود را در عمل بکار میگیرند. از زندگی میآموزند، از انقلاب فرامیگیرند، و اندوخته‌های خود را در مبارزه روزمره بکار می‌برند. آنها به درستی دریا فتها ندچمن‌های اسلامی بدون تردیدی هیچ استثنائی مراکز جاسوسی و توطئه علیه کارگران اندلسا در مراکز تجمع خود می‌محض ورود انجمن‌ها صحبت‌های خود را قطع می‌کنند. موضوع صحبت را عوض می‌کنند و از انجمن‌ها کناره گیری می‌کنند. این درسی است که آنها از تجربه عملی زندگی آموخته‌اند. رهنمودی نیست که به آنها داده شده باشد. نظرات آنها درباره مسائل و اتفاقات سیاسی نیز از این درسها بهره فراوانی گرفته‌اند.

در مورد انفجار مرکز حزب جمهوری نیز علیرغم نظرات گوناگون در میان کارگران هنوز این اقدام نظامی را کبه بسیار فراتر از سطح مبارزاتی آنها است نمی‌توانند فهم کنند. آنها بطور غریزی و خود بخودی ابتدا آنها را بطه این حرکت را با منافع طبقاتی خود و ضرورتا "با مبارزه طبقاتی خود در شرایط فعلی مورد ملاحظه قرار میدهند. همینطور آنها در مورد انتخابات ریاست جمهوری همه زپیش میدانستند و با اطمینان - میکشند که "از صندوقها رجالی بیرون خواهد آمد، این همه جا روح جلال چیزی جز یک بازی برای فریب مردم نیست. و امروز همس از خروج بنی مدروس مسعود رجوی از ایران آنها قضاوت خاص خود را دارند. نظرات آنها و قضاوتشان در این

مبارزات پیروزمند کارگران موقت راه آهن

تهران : هفته دوم مرداد ماه کارگران موقت (۸۵ روزه) راه آهن که پیش از ۱۵ نفرندونیمی از کارهای راه آهن را انجام میدهند، بیوسته در معرض اخراج قرار داشتند. چندی قبل مدیریت اقدام به انتشار قرارداد نمود که مطابق ماده ۳۳ قانون کار "مدت کارگری رژیم گذشته تنظیم شده بود. قابل توجه آنکه این ماده علیرغم هزاران طومار و اعتراض و اعتصاب کارگران برای لغو آن همچنان بقوت خود باقی است و رژیم حامی مستضعفان که تاکنون انواع و اقسام قول‌ها را به آنها داده است ایداً هیچ فکری برای تنبیر آن نکرده است. این قرارداد دشمن کارگران را برانگیخت البته مدیریت برای ارزیابی عکس العمل کارگران استدعا قرار داد در ادراک رخنات اصلی توزیع کرد. کارگران مقاومت خود را بصورت امضاء نکردن آن نشان دادند زیرا که میدانستند اگر قرارداد را بپذیرند مثل اینست که زیرورقش اخراج خود را امضاء کرده باشند. سپس تصمیم میگیرند با تجمع در مقابل اداره مرکزی اعتراض خود را اعلام کنند. فردای آ شروز کارگران موقت (۸۵ روزه) - کارخانجات (۴۰۰ - ۳۰۰ نفر) در ایستگاه راه آهن اجتماع کردند و خواهان دیدار با علیزاده، معاون وزارت راه و رئیس کل راه آهن شدند. وی حاضر نبود در حضور کارگران صحبت کند در عوض با فرستادن عوامل خود سعی در متفرق نمودن کارگران کردنی المثل با ساداری که خود را کارگر معرفی میکرد، در میان کارگران حضور یافت و خواهان ملاقات نمایندگان سابق (فرما بی) با علیزاده بود، وی هنگامی

که با چشم و نفرت کارگران مواجه شد فرا را برقرار ترجیح داد. حضور رئیس پلیس ایستگاه نیز نتوانست خللی در عزم کارگران ایجاد کند خلاصه بعد از چند ساعت کارگران بزور وارد ساختمان اداره - مرکزی شدند در این میان کارگران - نمایندگان خود را نیز انتخاب کردند. شخصی علیزاده نیز که دیگر چاره‌ای جز حضور در اجتماع کارگران نداشت همچون حیوان از قفس رها شده با زان تا قش بیرون پرید و شروع به تهدید کرد اما تهدیدهای او نیز در مقابل عزم کارگران و وحدت آنان بی اثر بود. وی هنگامی که به بی اثر بودن تهدیدهای بی برده التماس افتاد و از کارگران میخواست که نمایندگان را جهت مذاکره به اتاقش بفرستند اما نمایندگان کارگران با دیدر حضور همه به مذاکره در اتاقهای در بسته نیستند و هرگونه مذاکره‌ای باید در حضور همه کارگران انجام شود. آنروز کارگران با سرفرازی و عدم امضاء قرارداد محل را ترک کردند.

سراجم مبارزات کارگران به پیروزی انجام میدوید آنها موفق شدند حق رسمی شدن و نیز اضافه حقوق معوقه را اخذ کنند آنچه که پیروزی کارگران موقت راه آهن را تضمین نمود اتحاد آگاهی آنان بود. آگاهی کارگران راه را بر عوام فریبی مدیریت سرمایه داری و مزدوران آنها بست. اقدام نمایندگان آنها مبنی بر رد پذیرش مذاکره در اتاقهای در بسته تجلی این آگاهی بود. پیروزی کارگران ثابت کرد که آنها تنها با اتحاد دقا درند به حقوق برحق خویش دست یابند.

مورد نیز از یک سو، ریشه در روانشناسی اجتماعی آنها که در رابطه با وضعیت طبقاتی شان است قرار دارد. آنچه که خود بخودی است و از سوی دیگر تحت تاثیر فضای سیاسی، تاثیرات دوران انقلابی، مسائل ایدئولوژیک، مجادلات ایدئولوژیک و یگونه‌های آگاهی سیاسی است. و در - مجموع برآیند این خود بخودی و آگاهی است که قضاوت به انبسه درست آنها را - میسر زد چیزی که ما بعد فویربا آن روسرو بوده ایم. آنچه که در مورد مسئله اخیر در میان کارگران جنبه غالب پیدا کرده است تا کایدوری دوجنبه قضیه است:

اول: حالت اعتراضی و اظهار تمعصب و ناراضیاتی از همراهی مسعود رجوی با بنی صدر دوم؛ شادمانی و خوشحالی از قدرت نامایی آنها وضع رژیم جمهوری اسلامی است. آنها در این دو حالت متضاد چه چیزی را به نمایش می‌گذارند؟ روشن است که قضاوت لیسرها و سایر افسار و طبقات خلق با نظر کارگران تا آنجا مشابیهت خواهد داشت که نزدیکی خواسته‌های آنها در این مرحله از انقلاب این شباهت را امکان پذیر میسازد. آنها در این میان منافع طبقاتی، تجربه مبارزاتی و درجه - ای از آگاهی سیاسی خود را بنمایش گذاشته‌اند.

در حالت اول تعجب و ناراضیاتی آنها از قرار گرفتن مسعود رجوی در کنار بنی صدر ناشی از ناراضی همکاری سازمانی مثل مجاهدین با مردی است که هیچ وجه نمیتواند خود را از زمانه شی که در رژیم جمهوری اسلامی برای کارگران پیش آمده تشریح نماید آنها در جریان زندگی و تحت تاثیر واقعیات ملموس آن در این دوران محت نیلینغاتی را که علیه لیبرالها صورت گرفته دریافت کرده‌اند. آنها میدانند که لیبرالها نمی‌توانند حافظ منافع طبقاتی کارگران باشند از اینرو نمی‌توانند خود را راضی کنند که خرده بورژوازی دموکرات در کنار بورژوازی لیبرال و در غیاب پرولتاریا سرمداری مبارزه را بندهت گیرند و آنها بیتا بسوی بورژوازی تمایل پیدا کنند. از سوی دیگر از آنجا که دشمن خود را در این لحظه خوب تشخیص داده‌اند، از ضعف او و از ضربه‌ای که بر او وارد می‌شود نمی‌توانند اظهار شادمانی نکنند. از اینروست که خروج بنی مدروس رجوی از فرودگاه گسناه مهرآباد تهران با یک هواپیمای ارتشی که تمام پیلوان پسنه‌های رژیم جمهوری اسلامی را انکشت بدهان ساخته است، آنها را خوشحال می‌کند. و از سوی آنسان با شادمانی پذیرفته میشود.

باید با استخدام کارگران بیکار بساط "اضافه کار اجباری"

در کارخانه‌ها برچیده شود

ارزیابی وضعیت کنونی

نقشه صفحه ۲

جمله دولت مذهبی و عبارات علمی تا بر تلعیق آشکار دین و سیاست که همواره خودتحمیل نهادهای ایرانها، عقاید و نظرات قرون وسطایی را به رویانی سیاسی جامعه بورژوازی بپیچانداده است. سیاستی - ایدئولوژیک برانگیخته است. پیوند ارکانیک اجزاء متعدد رویانی سیاسی را مختل ساخته و منحربنوعی آشفتنی در زندگی سیاسی و معنوی جامعه گشته است. فیالمثل در جامعه ای که مناسبات سرمایه داری بصورت مناسبات مسلط عمل می کند، در عصری که بشریت سه عالی ترین مدارج اجتماعی، سیاسی و عملی کامنهاده است رژیم سیاسی حاکم بر ایران تلاش می کند یک مجموعه استاندارد - ها و موازین حقوقی و قانونی را بنا م نماید که نه با ذات مناسبات واقعی موجود، بلکه با نگر مناسبات دوران - جامعه دوی و عیشی است به رویانی سیاسی موجودتحمیل کند. با علنیت و بیسرفتنهای فرهنگی بشریت دشمنی می ورزد و سعی دارد فرهنگ جامعه را عقب سوق دهد. زنان را از ابتدائی ترین حقوق محروم ساخته و اقلیتهای مذهبی را برده مذهب حاکم ساخته است. رژیم جمهوری اسلامی با مذهبی کردن رویانی مذهبی، رژیم خودکامه پدید آورده است. اساساً "جمهوری اسلامی بمعنای برقراری دولت مذهبی، در ضمن نفی هرگونه آزادی و دموکراسی و بمعنای نفی جمهوریت، اسن امر تضاد میان دولت خودکامه مذهبی حاکم و وسیع ترین بخشهای جامعه را که از حداقل آزادی و ابتدائی ترین حقوق انسان محروم شده اند تشدید کرده است.

رژیم جمهوری اسلامی در حالی باید به مقابله با این مجموعه تضادهای تناقضات بر خیزد که خود مایشین دولتی حاکم، ارگان ستمگری آن دچار یک تناقض لاینحل است. تناقض در مایشین دولتی حاکم، تناقض در نهادهای آن یعنی ارتش و بوروکراسی است. زیرا این تناقض در کنار مجموعه تناقضات و گرفتاریهای اقتصادی و سیاسی رژیم در زمره عواملی است که رژیم حاکم را پیش از پیش با یک بحران و ناتوانی در تحقق اهداف سرکوبگرانه خود روبرو می سازد. ارتش و بوروکراسی اساسی و شالوده مایشین دولتی بورژوازیست که طبقه حاکم با تکیه این ابزارها سلطه طبقاتی خود را حفظ می کند و توده های تحت ستم را سرکوب کرده و در انقیاد نگاه میدارد. انسجام و وحدت ارتش و بوروکراسی بعنوان

شالوده های مایشین دولتی بیش شرط هر گونه حفظ سلطه طبقاتی بورژوازیست، امری که در شرایط عادی جامعه در مراحل رکود سیاسی تا مین است، اما در شرایط بحران های حاد سیاسی، ارتش و بوروکراسی نیز انسجام و یکپارچگی خود را از دست می دهند. تضادهای درونی آنها تشدید می شود و با بروز شکاف در درون این ارکان آنها و متناقض شدن آنها به نفع سیاسی رژیم حاکم در کل مایشین دولتی شکافی پدید می آید و زمینه در هم شکستن این مایشین توسط توده های مردم و سرکونی طبقه حاکم فراهم می آید. واقعیتی که ما امروز در ایران با آن روبرو هستیم - وجود یکپارچگی و انسجام ارتش و بوروکراسی بلکه گذشته از اینا - کندی و فقدان انسجام، نوعی دوگانگی است که در ارکان مایشین دولتی حاکم عمل میکند. در رژیم جمهوری اسلامی شالوده ارتش و بوروکراسی را همان دستگاه بوروکراتیک - نظامی رژیم است که تشکیل میدهد. اما در کنار این دستگاه بوروکراتیک - نظامی (ارتش، ژاندارمری، شهرپا، دادگاهها، زندانها، وزارتخانه ها و ادارات متعدد) یک دستگاه بوروکراتیک - نظامی مرکب از سیاستمداران، کمیته ها، ساوا، سازمانها و دادگاههای ویژه، ادارات و بنیاد متعدد و غالباً "مذهبی" وجود دارد. که گرچه ما هیئت "ارکانها و نهادهای نخستین نظامی" نداریم، اما دارای - ویژگیها و عملکردهای مایشینکه منجر به تضادهای و تناقضاتی در کل دستگاه بوروکراتیک - نظامی می گردد و در برخی موارد آنها را در درونی یکدیگر قرار میدهد و عملیات یکدیگر را خنثی می سازند. فیالمثل تا هنگامیکه ارتش و سپاه بصورت دو واحد مستقل با سازماندهی مجزا از یکدیگر وجود دارد، همیشه بین آنها درگیری و عدم هماهنگی وجود خواهد داشت. گرچه در مواردی که مسئله سرکوب توده ها در میان بوده است، این دو ارگان، مشترکاً "توده ها را سرکوب کرده اند، اما بهر رو این امر مانع از تضاد و درگیری این دو بخش ارگان سرکوب نشده است. نمونه دیگر تضاد میان شهرپا و کمیته و عدم همکاری و هماهنگی این دو بخش ارگان سرکوب است. در دادگاهها و زندانها نیز غالباً "این تضاد چشم میخورد. گرچه اخیراً رژیم جمهوری اسلامی پس از فائق آمدن رولبرها و تصرف تمام دستگاه بوروکراتیک - نظامی گذشته، تلاشهایی را در جهت هماهنگی و ادغام این بخشها آغاز کرده است، اما بهیچوجه قادر نیست این دوگانگی و تناقض را حل کند. رژیم جمهوری اسلامی

بنوعیت از مذهبی کردن کل رویانی سیاسی - ایدئولوژیک، اقدامات - مشابهی را در ارتش و بوروکراسی آغاز کرده است و این امر به تناقضات موجود در این زده است. فیالمثل در وزارتخانه ها و ادارات راس هرم را کاملاً "تصرف خود" در آورده است. لیسرا لهای "لامذهبی" را کنار گذاشته است، انجمنهای اسلامی تشکیل داده است و... اما در عمل محصور شده است انسجام کارهای اجرائی و بوروکراتیک را بسمان اقتضای ولایه های با عیلاج منحصی و اگذار کننده پیش از - همه به لیسرا لهای تمایل دارند. در ارتش نیز یک چنین وضعی حاکم است. رژیم جمهوری اسلامی در راس ارتش، ژاندارمری، شهرپا، فرماندهان مکتبی مورد اطمنان خود قرار داده است، اما بدنه آن هیچگونه هماهنگی با مجموع خواستها و سیاستهای رژیم جمهوری اسلامی ندارد. فشارهایی که لیسرا لهای مختلف به یزسنل ارتش و کارمندان ادارات وارد می آید، نه تنها جاره ساز فقدان انسجام و هماهنگی آن با رژیم جمهوری اسلامی نیست بلکه به فشاری هائی با تمایلات معین منحصر شده است. ولایه های بالائی ارتش و بوروکراسی پیش از پیش به بورژوازی - بزرگ، ولایه های میانی به بورژوازی - لیسرا ل ولایه های پائین آن شامل سربازان، درجه داران و افسران جزء، کارمندان دین رتبه ادارات بسنوی نیروهای انقلابی تمایل پیدا کرده اند. این ارتش و بوروکراسی در کلیت خود نمی تواند در چنین شرایطی پایه های مستحکمی برای مایشین دولتی موجود و پاسدار قدرت سیاسی حاکم باشد. این تناقضات و تضادهای که بر شمرده ایم با ضافه تناقضات بیشماری که رژیم با آن روبرو است، همگی دلایل و شواهدی است که پذیرای هستند بر اینکه این رژیم قادر نیست موقعیت سیاسی خود را مستحکم سازد و از سقوط نجات یابد. ناتوانی اقتصادی و سیاسی رژیم که خود را در آشفتگی و بحران اقتصادی و سیاسی، فقر فزاینده توده ها، فشار طاقت فرسای زندگی، جنگ و آوارگی، ناامنی و... نشان می دهد، رژیم موجود را از زبای درخواهد آورد. سلب آزادیهای سیاسی و حقوق اولیه توده ها، کشتارها و اعدامهای دستجمعی، زندانهای ناشسته از انقلابیون و خلاصه سیاست سرکوب ترور و اختنا قگرچه قادر است تا ثیرات لحظه ای خود را در مبارزه توده ها، و وضعیت سیاسی جامعه بر جای بگذارد، اما تضادهای موجود را تشدید خواهد کرد و سرنگونی رژیم را تسریع خواهد نمود. - نقشه در صفحه ۱۷

مبارزه با امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی جدا نیست



ضوابط جدید پرداخت پاداش به کارگران گامی در جهت تشدید استثمار

رژیم جمهوری اسلامی همواره کوشیده است تا با احیای قوانین ضد کارگری آریا مهری و حتی با تصویب قوانین مبرم ارتجاعی و تروکشنده تر از آن، زمینه مساعدی را جهت سودآوری موسسات تولیدی و بازرگانی نظیر مسما به داری، از طریق فشار هر چه بیشتر بر سر کارگران ایجاد نماید. یکی از این شیوه‌های مهلک فشار بر کارگران با شبن نگاه داشتن سطح دستمزدها است. تا از طریق کاهش هزینه تولید، سود موسسات افزایش یابد. ششیت دستمزدها برای اعمال جاری بهمان میزان حداقلی که در سال قبل پرداخت می‌شد، بدون توجه به افزایش سرمایه و رقیقت ها، و لغت پرداخت سود ویژه در سال گذشته از جمله این سیاستهای ضد کارگری رژیم می‌باشد.

حکومت، در سال گذشته، تحت عنوان اینکه قانون سود ویژه "طاعتی" است، آنرا لغو کرد و از پرداخت آن خودداری می نمود، سپس بر اثر عکس العمل اعتراضی گسترده کارگران و وعده نمودن ترتیبی اتخاذ خواهد کرد تا منافع کارگران را تا مین کند. و حال، با لایحه وزارت کار و امور اجتماعی که در حقیقت وزارت رفیق و فتق امور سرمایه داران است، "ضوابط طرح پرداخت پاداش به کارگران بر اساس افزایش تولید" را بعنوان جایگزین قانون سود ویژه اعلام کرد.

ضوابط جدید پرداخت پاداش به کارگران در واقع چیزی نیست جز بخشی از همان قانون سود ویژه آریا مهری، اما این تفاوت که ضوابط جدید من دارا بودن کلیه مشخصات ضد کارگری قانون سود ویژه از حداقل حقوقی هم که برای کارگران در آن قانون پیش بینی شده بود، برخوردی دارم می‌باشد. سمباعت دیگر، ضوابط جدید استثمار کارگران در شکل از قانون سود ویژه آریا مهری است که در همان راستای سیاستهای حکومت برای ایجاد زمینه‌های مساعده و آوری برای سرمایه داران، قرار

سرما به داران بمنظور بهره‌کشی هر چه بیشتر از کارگران، به شیوه‌های مختلفی متوسل می‌شوند. یکی از این شیوه‌های متداول که هم در قانون سود ویژه و هم در ضوابط جدید کار گرفته شده، مصلحتی گذاشتن پرداخت قسمتی از دستمزدها کارگران و موکول کردن آن به فرمانبرداری از کارفرما، افزایش تولید و ششیت "افزایش سود است. بمعنوی مثال، در سال جاری، حکومت حداقل دستمزدها به کارگران را بدون توجه به افزایش سرمایه و رقیقت در همان میزان سال قبل، سود ویژه ۳۰٪ عریال ششیت کرده است. در حالیکه حتی بنا به ضوابط وزارت کار که در جدول ششیت دستمزدها مشخص است، حداقل دستمزدها به کارگران باید ۱۲۰٪ عریال باشد و این مقدار را توجه به بالارفتن قیمت ها، افزایش یابد. اما سرمایه داران دولت حامی آنها جای پرداخت ۱۲۰٪ عریال به کارگران فقط ۳۰٪ عریال به آنها می برد از دوما بقی آنرا (معنی ۷۰٪ عریال از حداقل حقوق هر کارگر) به دولت تقسیم می‌کنند. یک قسمت عمده آنرا خود به جیب می‌زنند و قسمت کمتری از آنرا به صورتی مختلف از قبیل پاداش عیدی و سود ویژه به کارگران باز می‌گردانند. به این صورت سرما به داران قصد

دارند که، اولاً "با به حقوق کارگران را در سطح پایین ترین نگاه داشته و از این طریق با پرداخت سهم کمتری از سهم، افزایش کارگری و غیره که بر مبنای پایه حقوق محاسبه می‌شود، در هزینه‌های خود صرفه جویی کنند و همچنین کارگران رسمی از حقوق بازنشستگی کمتری برخوردار شوند. ثانیاً "با موکول کردن پرداخت قسمتی از دستمزدها کارگران به میزان افزایش تولید یا سود، کارگران را وادار کنند که با سرعت بیشتری کار کرده و استثمار آنان را شدت بخشند. بود هزینه را بطه اعتباری های کارگران را از طریق کم کاری، اعتصاب و غیره، با تفرقه انداختن بین صفوف آنان درهم بشکنند. و ثانیاً "بشکستنا، ششیت با گسترده، اینگونه و ششیت کند که پرداخت پاداش و سود ویژه به کارگران با الطاف سرمایه داران بستگی ندارد، و دولتی که چنین قوانینی را تصویب می کند، دولتی است که در جهت منافع کارگران گام بر میدارد و به این ترتیب استثمار و وحشیانه سرما به داری و ما هیت ضد کارگری رژیم را پنهان کند.

از این سو سود ویژه و همچنین ضوابط جدید پرداخت پاداش در حقیقت قسمتی (آنهم به طور کامل) از دستمزدها کارگران است که با اهداف استثمار کارگران فوق پرداخت شده است. با این وجود، وقتی که حکومت قانون سود ویژه را لغو نمود، ما ضمن نشان دادن ما هیت این قانون، از آنجا ششیت در یافتی کارگران کاهش پیدا می کرد، اعلام کردیم که تا تعیین ضوابط جدیدی که بتوانند منافع کارگران را تا مین کند "سود ویژه که قسمتی از دستمزدها کارگران است یا پرداخت شود." اما ضوابط جدیدی که از طرف وزارت کار برای پرداخت پاداش اعلام شده است، به هیچ وجه در جهت منافع کارگران قرار نداد. این ضوابط همان اهداف را ششیت استثمار کارگران قانون سود ویژه آریا مهری را دنبال می‌کند. منتهی با شدت بیشتری و بچنان صورتی که عملاً چیزی عاید کارگران نخواهد شد. یک مفا یسه اجملی بین ضوابط جدید پرداخت پاداش با قانون سود ویژه خود گویند. درجه استثمار کارگانه ضوابط جدید است. در قانون سابق، شیوه "سهیم کردن کارگران در منافع کارگاهها" چنین بیان شده بود که "کارفرما با مکلّفند ... بیمه آن دسته جمعی بر اساس اعطای پاداش به تناسبا احتمال یا صرفه جویی در هزینه‌ها یا تقلیل ضایعات یا سهیم کردن کارگران در منافع خاص یا روشهای مشا به دیگری با طریقی مرکب از دو یا چند روش مذکور که موجبات افزایش درآمد کارگران را فراهم نماید تا ششیت کارگران کارگاهها یا ششیت کارگاهها منفرداً باشد. در حالی که در ضوابط جدید، پرداخت پاداش تنها به تناسبا احتمال، یعنی به درجه افزایش تولید بستگی دارد و لا غیر. سمباعت دیگر، ضوابط جدید برای پرداخت پاداش فقط یک شیوه پیش بینی شده که از این نظر محدودتر از قانون سابق است.

اما سیاستهای ضد کارگری رژیم تنها مربوط به این نمی‌شود که فقط یک شیوه از قانون سهیم کردن کارگران در منافع کارگاهها را انتخاب کرده است، بلکه ضوابطی که برای ششیت افزایش تولید پیش بینی

شده نیز بصورتی است که بیشترین کارکنان کمترین پاداش جواب داده شود. در طرح جدید وزارت کار چنین می‌خواهیم که "پرداخت پاداش افزایش تولید بر اساس ما زاد بر استاندا رد تولید کارگاهها خواهد بود" و بر این مبنای استناد دارد، روشهای استناد زه گیری مختلفی را پیش نهاد نموده که از آن میان، روشی که با لاترین رقم استناد رد تولید استناد افزایش دهد مبنای محاسبه استناد رد تولید خواهد بود. در حقیقت رژیم سخت ترین و استثمار کارگانه ترین روش را برای محاسبه استناد رد تولید تعیین کرده است، که با کارگران ششیت می توانست افزایش تولید ما زاد بر استاندا شده باشد.

بر اساس طرح وزارت کار با زاه یک در صد افزایش تولید ما زاد بر استاندا رد، به میزان یک درصد دستمزدها به کارگران پاداش پرداخت می‌شود، که حتی در این صورت نیز مبلغ قابل توجهی از با شست افزایش تولید نصیب کارگران نخواهد شد. مثلاً اگر موسسه ای به افزایش تولیدی به میزان ده درصد با لاتر از حد استاندا رد، نا شل شود، کارگری که حقوق ثابت روزانه وی ۳۰٪ عریال می‌باشد از این بابت فقط ۳٪ عریال پاداش دریافت می‌کند. اما در شرایط بحران اقتصادی حکم بر این بر کسی پوشیده نیست که اکثر کارخانه ها با شرایطی بسیار نا شلین ترا زمینای استاندا رد تولید می‌کنند. به این ترتیب حتی میزان ذکر شده برای پرداخت پاداش، موضوعی نیست که اکنون برای اکثر کارگران موسسات تولیدی قابل وصول باشد.

بنا بر این، در شرایط حاضر، مبنای پرداخت پاداش عمدتاً "مربوط به کارگاه ها می‌شود که تولید آنها کمتر از حد استاندا رد می‌شود. در این حالت کارگاهها آنها می‌توانند تولیدشان کمتر از حد استاندا رد تولید باشد، اما ششیت که تولیدشان بیش از حد استاندا رد می‌شود، به ازای یک درصد افزایش تولید، به میزان دودم درصد حقوق ثابت، پاداش دریافت می‌کنند. بمعنوی مثال، اگر تولید یک چنین کارگاهی ده درصد افزایش یابد، کارگری که حقوق ثابت روزانه وی ۳۰٪ عریال می‌باشد، بابت افزایش تولید فقط ۱۲٪ عریال پاداش دریافت خواهد کرد. این میزان به اصطلاح پاداش را مفا یسه کندید با ششیت از حقوقی که به کارگر پرداخت شده (یعنی ۷۰٪ عریال) تا "الطاف بزرگوارانه" رژیم حامی سرما به داران بیشتر روشن شود.

شیوه ای که رژیم جمهوری اسلامی برای پرداخت پاداش بر اساس افزایش تولید اتخاذ کرده است، بجز آنچه ذکر شد، به غیر دیگری را نیز برای سرما به داران در دسترس دارد. اکنون، در شرایط بحران تورمی حاد، موسسات تولیدی بدون ششیت میزان تولید می توانستند با استفاده از افزایش سرمایه و رقیقت ها، به سودهای سرشاری دست یابند. یعنی افزایش قیمت ها، سود موسسات تولیدی را افزایش می‌دهد، بدون اینکه این افزایش در میزان پرداخت پاداش پاداش به کارگران را ششیت داشته باشد. در حقیقت کارگران با بد فقط با افزایش قیمت ها را بردوش کنند.

افزایش دستمزدها، قطع اضافه کاری، استخدام بیکاران

کارگران قهرمان "واشر" با اتحاد ویل پارچگی، شورای واقعی خود را تشکیل دادند

اخیرا "کارگران مبارز و شرافت‌آباد" به تشکیل شورای انقلابی جهت کسب حقوق واقعی خود نمودند. در این میان عناصرا خود فروخته و سازشکار رکوشدند با ایجاد تفترقه در بین کارگران مانع ایجاد شورای واقعی گردیدند و شورای قانونی را به جای شورای واقعی که منتخب همه کارگران باشد آنها قالب کردند. اما کارگران - آگاه و آزرده بود و با ایجاد شورای انقلابی پی برده بودند و طوطی‌وار آواز خود را می‌نمودند و با شرکت یکبارجه خود را جمع عمومی که به منظور انتخاب شورای شریفی بوده شده بود ضمن آتش و طردن تفترقه افکار از بین رفتن از کارگاهها ۳ تن را انتخاب کرده و به این ترتیب مشقت محکمی برده‌اند یا او کویان رژیم جمهوری اسلامی که همواره از ایجاد شوراهای قانونی یعنی شوراهای وابسته به حزب جمهوری اسلامی دم می‌زنند کوبیدند.

پیشانی رژیم جمهوری اسلامی

چندی پیش مدیریت و شورای ضد کارگری کارخانه تهران تا مردود اخراج چند تن از کارگران مبارز سرآمدند که این مسئله باعث اعتراض همه کارکنان گردیده و کارگران با اتحاد و اعتماد خود توانستند در مقابل این عمل وحشیانه مقاومت و متمسک شوند و مانع اخراج همکاران خود گردیدند. اخیرا "پاداران جمهوری اسلامی" با استفاده از جوخه افکار و سرکوب با ردیگر مسئله اخراج و دستگیری این کارگران را پیش کشیده و متعاقبا اعلام این مسئله به تن از کارگران مبارزه جرم دفاع از حقوق

روزنامه چریک‌ها
مؤسسه نشر و انتشارات
چریک‌ها
پنجشنبه ۱۵ شهریور - سال شانزدهم چریک‌های فدایی خلق ایران - شماره ۱۳۴ - صفحه ۶

برحق کارگران کارخانه اخراج چوبک نفر از آنها دستگیر شدند این مسئله با ردیگر همکاری بین پاداران جمهوری اسلامی و سرمایه داران مفتخوران نشان داد.

کارگران مبارز تهران تا مرز این عمل ضد کارگری سپاه که مورد تائید مدیریت کارخانه نیز نبوده است ایستادند و نتوانستند.

انجمن‌های اسلامی ساواک جدید کارخانه‌ها

رژیم جمهوری اسلامی که بعد از راه پیمانگی با شکوه و خونین کارگران مبارز شهر صنعتی در ۲۷ خرداد به وحشت افتاده است، با بیشترین نیرو در جهت سرکوب کارمیر می‌داند. اخراج، دستگیری، زندان و شکنجه و وحشیگری جمهوری اسلامی است. اما رژیم به این هم اکتفا نکرده و سعی دارد از طریق تشکیل انجمن‌های اسلامی و تقویت آنها به شناختن کارگران مبارز پرداخته و هر حرکت حق طلبانه آنها را با مارک ضد انقلابی و ضد اسلامی در هم کوبد.

بدینال این تصمیم رژیم است که در بسیاری از کارخانجات انجمن اسلامی تشکیل شده و با زور همه‌گرای تشکیل آن به گوش میرسد. انجمن‌های اسلامی این لانه‌های جاسوسی که کوچکترین اعتراض کارگران را با اخراج و جرمه‌ها می‌دیدند و همواره سرمایه داران ندای افزایش تولید را سر داده‌اند، در صددند با این شیوه‌ها سقوط رژیم جمهوری اسلامی را به تاخیر اندازند. هم اکنون در بسیاری از کارخانه‌ها نظیر تند، کنتور سازی و... این مزدوران با

ایجاد جوخه و روفخقان کارگران مبارز - این کارخانجات را تحت شدیدترین فشارها قرار داده‌اند. کارگران انقلابی و مبارز با افسای مداوم و مفاصلت یکبارجه در مقابل سیاستهای ضد انسانی انجمن‌های اسلامی، هماکنون که ساواک را در کارخانه‌ها ریشه کن نمودند، این لانه‌های جاسوسی را در هم کوبیدند و شوراهای واقعی خود را ایجاد کردند.

"بار دیگر کارگری قربانی منافع سرمایه داران شد"

اخیرا "در کارخانه سوپرا الکتریک کارگری سرآوردن امکان‌ناپذیر، به دلیل برقی گرفتگی جان خود را از دست داد. این حادثه با ردیگر ما هیت نظامی سرمایه داری را بی‌شک و راسخ و بی‌سره کارگران آموخت که در رژیم سرمایه داری تنها چیزی که مهم نیست جان کارگران، وضعیت زندگی خود و خانواده‌های آنهاست و در حالیکه سرمایه داران وابسته به حزب حاکم، مقادیر زیادی از حقوق نابرابر کارگران را به نیغما می‌برند و دولت سرمایه داری - جمهوری اسلامی از حق بیمه کارگران میلیاردها تومان دزدی می‌کند، کوچکترین اقدامی در جهت حفظ جان کارگران نشده و در حالیکه هر آنجا که بدمشاوران تان را در معرض نابودی قرار داده‌اند، دولت سرمایه داری برای حمایت بیشتر از منافع سرمایه داران از ایجاد کمترین امکان درمانی نظیر ایجاد درمانگاه در کارخانجات، بیمه رسانی در شهر صنعتی و دیگر امکانات سربا می‌زنند. تمام این جریان‌هاست که کارگران می‌آموزد که تنها حکومت کارگری یعنی حکومتی که ازلد شوراهای واقعی کارگران بیرون آمده باشد منافع حفظ منافع زحمتکشان است.

اش را به ریشخند گرفته‌اند. کتا در سپهرن میانسانی نشست کسه چا درسیا هش آنقدر که شسته شده به خاک کستری میزد، بزرگ با کریمه میگوید: حتی غسل و گفشن هم نکردند میکن کافره، خود شون - کافرند، کافر این بد سوخته‌ها که مردم می‌کشند، کافر این گردن کلفتها هستند که از موقع آمدنشون آب خوش از گلو می‌سپسند پاشین نرفته "می برس" می‌کن کمونیست بوده‌است؟" زنا زبیر چا در در حالی کسه بغض خود را فرو می‌دهد میگوید "کمونیست بوده که بوده مگر چه عیبی داره، باشها هر کس را که از بدبخت و بیچاره‌ها حمایت کند می‌کن کمونیست "لا... حرفش با ورود زن دیکه قطع می‌شود زن بدبخت شروع به توبه می‌کند، به طرف ما در شهید می‌روید و بهای های کریمه میگوید "مدا مبر منو کشت، اینا پسر تو رو کشتند خدا دلیلشون کند "مهری - خا نم پس از آرم کردن زن آرم زبر گوشم میگوید "دا عدا برود ممکن بود بخواد عقده دلشوه خصمی خالی کنه، صلاح نبود، وقت باقی است ز مونه استجوری نمی مونه "زن ها هر کدا م حرفی می‌زنند، معصومه خا نم می‌گوید "حرفت منو میدی می گفت نشد معصومه کی سبام بر فیات را برویم، هر وقت لازم بود دخالت کنش، بی رودروسی بسا دنسا لکه م خوحال می‌م میبرسم "نه اگر خصمی تکلیف شرعی کند که در مرا سم عزای با صلاح کفا شرکت نکنند چکار می‌کنی "سرش را محکم تکمیدارد و میگوید "مگر لا لکرده، کی گوش میده "از خانه بیرون می‌آید، جملات رفیق گلرخی در گوشم صدا می‌کند "روزی که خلق بداند، هر قطره خون تو محراب می‌شود" و اینک غلغله میداند، خلق با کوله با رجند سال تجربه بقه در صفحه ۱۶

مردم چه میگویند؟ مردم چه میخواهند؟

میش، این پسر آنقدر با شرف و مردم‌داری بود که همه دوستش داشتند، انگار که پسر خود او شیربان کردن بعد از رفتن زهرآبم بیجی ما هم به طرف خانه رفیق شهید می‌رویم. جلو خانه چشمه‌ها چا کبریا نوامی افتد می‌برسم "اینکه حزب الهی بود اینجا چیکار میکنه" معصومه خا نم با حالتی کینه حاکی از رضایت خاطر است میگوید: "تسو خیلی وقته نبود می‌دیدونی مردم چقدر عوض شدند، چا کبریا زهمه ما لفت کرده، همیشه از این میگویی موقعی تو محل قلمچا می‌میکد تا راحت و شرمنده است نمیدونی الان موقع تان دادن به حزب الهی های محل چقدر این دست و آن دست میکند "خا لم راحت - شدوا زبله با لاف تم در سکوت بله‌ها صدای زنی که پشت سرما می‌مدیچید "هرکی را می‌کشند، بدبخت و بیچاره‌هاست، آنوقت میکن مستضعف، مستضعف تو سر تان - بخورد مگر این پسر مستکبر بود که کشندش همه تو محل میدوندند که از مال دنیا فقط یک دو چرخه داشت. "تنها اتا ق محقر خا نم را محل زنا نه کرده است و اتا ق همسایه را مردانه وارد می‌شویم دور اتا ق زنا، نشسته اند، به قیافه‌هایشان نگاه میکنم حتی از چند کجوا شین ترا شده اند، بحر نم که در چهره همه خا نم می‌شد فقر نریزین تمامان مشترک است. علی‌رغم این نشسته شهادت رفیق قلیسم زنا دی‌بر می‌شود. این خا نم توه‌ها هستند، توه‌ها می‌کند که با محویشان، علی‌رغم تمام می‌شهیدها و بیخنا مه‌های رژیم فلانگا، موجودیت رژیم و تسلیمات پوشتالی

و ارد کوچک شهید ما عت بعد از ظهر بود. کوچک گرفته و مفوم، چهره‌ای متفاوت از همیشه داشت. از زنه‌های محل که اکثر آنها عصرها چند نفری کتا در راهی خانه‌ها به صحبت می‌نشینند خبری نبود. اما گاه بیگاه مردان و زنانی سیا بهوش که بطرف ته‌کوچه می‌رفتند دیده می‌شدند. چند قدمی نرفته ایم که معصومه خا نم از پشت پنجره ما را می‌بیند و با سربه‌دورن خانه دعوت ما میکند. خانه محقری که هر گوشه‌اش نشان از فقر و بدبختی دارد. وارد که شهید معصومه خا نم می‌مقدمه با حالتی متنازک گفت "بیا شهید تو همه با هم می‌برسم، مستظربم که زهر خا نم سه‌نون بخوره، ما را نیسنه. می‌برسم چرا، معصومه خا نم که پس از عمری رخت شویی در خانه‌های مردم - دنیا شین تجربه کسب کرده با حالتی کینه خویی تنفرش را نشان میدهد میگوید - شوهرش بیجی، خودش هم بیجی با بسد محتاط بود بسرو زها مثل مکس آدم می‌کشند" حرفش تمام نشده که مهری خا نم، همایشون در حالی که انگ می‌ریزد و مده می‌سینه‌اش - می‌زند در حیاط ظاهر می‌شود و میگوید: "جراکشش یکبار رجعتا بود آزارش به مورچه هم نرسیده بود، به دردمه میرسید، بی شرفها حالا ما جا زنده اندید و ما درش ختم بگیرند، اینها روی شاه رو سفید کردند" من می‌برسم؛ ولی انگار ختم گرفتند چون الان چند نفری مهر رفتند تو خا نم که همه سیا بهوشیده بودند" مهری خا نم صدای آرم می‌گوید "نه چو نم همه بوا حکمی برند چند لحظه می‌شین و بلند



پرولتاریا و آزادیهای دموکراتیک (۴)

پرولتاریا و آزادی سیاسی

اینک پس از بررسی اجمالی از دمکراسی وروستانی سیاسی، درجوامع امپریالیستی و سرمایه داریواسته بهتر است به بررسی اهمیت و لزوم آزادیهای سیاسی در رابطه با مبارزات پرولتاریا بپردازیم.

طبقه کارگر برای آنکه قادر باشد انقلاب را به پیروزی برساند، برای آنکه بتواند جامعه را بسوی سوسیالیسم به پیش ببرد، برای آنکه قادر باشد اعمال دیکتاتوری پرولتاریا را کرده، باید تعلیم و آموزش ببیند، کارگران باید به مبارزه یک طبقه، انسجام و تشکل یا بندونما می این مسائل ممکن نیست مگر در محیط دمکراتیک، مگر با وجود آزادیهای سیاسی. لنن در این مورد میگوید: "بیل به این هدف - بر سر انداختن ما لیکت خصوصی و سایر تولید و ایجاد جامعه سوسیالیستی - سطحی عالی از گسترش نیروهای مولده سرمایه داری و تشکل طبقه کارگران ایجاد میکند. بدون آزادی سیاسی گسترش کامل نیروهای مولده در جامعه جدید بورژوازی، وجود مبارزه طبقاتی آشکار، آزاد وسیع، آموزش سیاسی، تعلیم و بسج پرولتاریا، غیر قابل تصور است. آزادی بورژوازی، مصلحت برای آزادی -

کامل سیاسی و انقلاب دمکراتیک همواره هدف پرولتاریا است. اگر آنگاه بوده است، لنن وظایف دمکراتیک پرولتاریا را انقلابی-تاکیداً (۱) است.

پرولتاریا تحت رژیم دیکتاتوری، تحت سرکوب و خفقان بدشواری قادر است مبارزات خود را گسترش دهد و تکامل بخشد، دوران - شتاب رژیم ثوری را بخشد، در تحت شرایط دیکتاتوری شبه فاشیستی حاکم، کوچکترین مبارزات پرولتاریا به شدیدترین شکل، سرکوب میگردد، اعتمادات در نطفه خفه میشد، حرکات اعتراضی بخون کشیده میشد، از سوی دیگر سلطت اختناق و خفقان حاکم، تجربیات و دستاوردهای همین مبارزات نیز به سختی امکان انتقال به سایر کارگران را میبافت و عمدتاً "به شکل داده های پراکنده و جرقه های جدا از هم موجود می آمد و از زمین می رفت. در نتیجه مبارزات کارگران امکان گسترش بنگن زنجیره ای بهم پیوسته را نمی یافت. مبارزات نه در تداوم هم و در تکمیل یکدیگر نه با استفاده از تجارب و دستاوردهای سایر مبارزات، بلکه تشکلی پراکنده و پوز میگرد. ولی در همین رژیم در مقطع اوچکیری بحران که دیگر "بالائیها" قادر نبودند دیکتاتوری و خفقان را بشکل کامل اعمال نمایند، تا هدویدیم که چگونه همین مبارزات در زنجیره ای بیپوسته تروبا انتقال تجارب بیکدیگر تشکل میگرفت، دیگر تجارب ابتدائی احتیاجی به تکرار نمی یافت، دیگر همه کارجات از ابتدا خطاهای اولیه را تکرار نمی کردند، صندوق اعتمادات در نطفه تجربه میشد و نتوانا سیریکار گرفته میشد، حتی کارگران سلخوور نرفتند به سایر کارگران رهنمود میدادند، قطعاً نه هس و خواسته های کارگران در تکامل یکدیگر

پدید می آمد، هرخواستی بر اثر جمع بندی سایر حرکات متشکل ملنتر میشد... طبقه کارگران با استفاده از محیط نیمه دمکراتیک حاصل، مبارزات خود را شد و تکامل می بخشید.

پرولتاریا تحت رژیم دیکتاتوری قادر نیست سازماندهی خاصی خود را بشکل گسترده ای ایجاد نماید. در چنین شرایطی کارگران نمیتوانند دستاوردهای خود را حفظ نموده تکامل بخشند، سدیکارهای واقعی اتحادیه های سراسری کارگران و سایر تشکلات - کارگری در شرایط دیکتاتوری تشکل گسترده و توسعه گیر خود را نمی یابند. آموزش سیاسی و تعلیم طبقه کارگر در شرایط دیکتاتوری بسیار دشوار است. در شرایط دیکتاتوری، طبقه کارگر قادر نیست سازماندهی توسعه ای وسیع و پایداری پیدا کند. با اقتضای طبقه کارگر ارتباط آرگانیک حاصل نماید و آنان را حول پرچم خود گرد آورده، لنن در کتاب - گرایش فقهرا نی در سوسیال دمکراسی روس می نویسد: "چرا باید سرنگونی استبداد نخستین و طبقه کارگر روسیه با شد زیرا در رژیم استبدادی، طبقه کارگر قادر نیست مبارزه خود را به نحو گسترده رشد و تکامل بخشد، برای خود هیچگونه مواضع شایسته در زمینه های اقتصادی و در زمینه های سیاسی بدست آورد. سازماندهی واقعی توسعه ای ایجاد کند و پرچم انقلاب اجتماعی را در برابر برآورده های زحمتکش برافرازد و به آنان بیا موزد که بخاطر آن مبارزه کنند. مبارزه فطری طبقه کارگر به صورت یکپارچه علیه طبقه بورژوازی فقط تحت شرایط آزادی سیاسی ممکن است (تاکیدات آزادی است). در اینجا بخوبی ارتباط تنگاتنگ لزوم آزادیهای سیاسی و گذار به سوسیالیسم روشن میگردد. طبقه کارگر بدون وجود مفقومی از شرایط دمکراتیک، بدون دست یابی به آزادیهای سیاسی قادر نیست - آنچنان تشکل و سازمان یابد، آنچنان - آبدیده و کارآزموده گرد و توانا آنچنان متحدان خود را گرد پرچم خویش جمع آورد که بتوانند پس از دستیابی به قدرت سیاسی به اعمال دیکتاتوری پرولتاریا بپردازند و ساختمان سوسیالیسم را پیروز نمایند به پیش برد. در شرایط دیکتاتوری توسعه ای امکان - تمسار کارگانیک و روشنفکران با پرولتاریا در شکل گسترده و وسیع، میسر نیست. و بهمین علت است که راه سوسیالیسم توسط دمکراتیسم سنگفرش شده است. ما رکن سیاسی گوید "مسلمان" دمکراتیسم مبتدلی همگسه حیات جمهوری دمکراتیک را در ایجاد می هزار ساله می بیند، رد و پراوردها در گذشته دقیقاً در همین اشکل جا شده بورژوازی است که مبارزه طبقاتی به نتیجه ای فطری خواهد رسید، سر بلند و سرفراز جلوه می نماید... (مارکس - نقد بر تانها مگوتنا - تاکید آزادی است) پرولتاریا فقط با بهره گیری از محیط دمکراتیک خواهد توانست مبارزه طبقاتی را به نتیجه ای فطری رهنمون - گرداند و پس. حال که روشن گشت که طبقه کارگر برای

نبیل به سوسیالیسم فقط "و همواره احتیاج به برخورد داری از مرحله ای دمکراتیک و بهره گیری از مفقومی از حاکمیت آزادیهای سیاسی دارد. نکاتی چند را با بسند تذکر داد:

- ۱- ما رکن و پس از اولنن بر لزوم وجود یک مرحله دمکراتیک جهت پرورش یا فتن و تشکل پرولتاریا تصریح دارن و تشکل تحقق آنرا در دمکراتیسم کردن رژیم سیاسی بیان میکنند. تحقق این دمکراتیسم کردن ممکن است توسط اعمال فشار از "بالا" یا فشار از "پایین" و یا بشکل انقلابی سیاسی باشد. مثلاً لنن در تعریف مبارزه دمکراتیک میگوید: "مبارزه دمکراتیک (مبارزه برخود حکومت مطلقه یعنی مبارزه ای که هم آن معروف بدست آوردن آزادی سیاسی در روسیه و دمکراسی کردن رژیم سیاسی و اجتماعی روسیه است)... (لنن - وظایف سوسیال دمکراتی روس)
- ۲- اما در جوامع سرمایه داریوا بسته عموماً "روستیای سیاسی بر شکل دیکتاتوری بروز می نماید (که از آن سخن گفتیم) و امکان تشبیت و تداوم دمکراتیسم بورژوازیسی امی نادراست. در این رابطه است که تحقق مرحله ای آزادیهای سیاسی و دمکراتیسم نمودن محیط در جوامع خود بدست پرولتاریا و توسط اعمال دیکتاتوری خلق - برهبری و امپراتور است. و در این مرحله است که شرایط عینی و ذهنی لازم برای گذار به سوسیالیسم مهیا گشته اند و آرک دیده میشود.
- ۳- در شرایط بحرانی و در شرایطی که بین نیروهای انقلاب و ضد انقلاب تمادلی نسبی برقرار میگردد، به این علت که "بالائیها" نمیتوانند دیکتاتوری خود را بشکل کامل اعمال نمایند (دقت کنید که در این مقطع هنوز اولانما "موقفیت انقلابی حاکم نیست، بلکه شرایط کشاکش بین انقلاب و ضد انقلاب است) حدود مرز آزادیهای سیاسی و دمکراتیسم توسط کشاکش بین دوار و گاه انقلاب و ضد انقلاب تعیین میگردد. در این مورد باید در نظر داشت که اولانچنین شرایطی ویژه و موقتی است، تا نسیا "در این شرایط آزادیهای سیاسی و دمکراتیسم حاکم بر جامعه میگردد" در و رای قوانین و نظم موجود تشکل میگردد و نمیتوان آنرا بعنوان شکل حکومتی بورژوازی وابسته بحساب آورد. و با لایحه اینک در چنین شرایطی اهمیت مبارزه - دمکراتیک دو چندان میگردد. زیرا پیشبرد آن در عین تعمیق مبارزه طبقاتی رشد سازماندهی و تشکل پرولتاریا و متحدانش... به گسترش دستاوردهای انقلاب و تعمیق و تشبیت آنها میانجا مدو پرولتاریا حتی در شرایط نیمه دمکراتیک و موقتی که ایجاد میگردد تا در است با سرعتی بسیار - افزونتر، آموزش و تعلیم با بدو به گسترش تشکل خود میدارد.
- در همین رابطه هیچگاه نباید تصور کرد که هر چه دیکتاتوری شدید تر و سرکوب اعمال شده بیشتر باشد (دقت کنید شد بدتر و بیشتر و غیره) ما هیت رژیم بریتانر افشا میگردد و انقلاب بعدی به جلومی افتد، نباید اینگونه تصور نمود که رژیم هر چه بیشتر بکشد، بگیرد و سرکوب کند بهتر است چون مردم بریتانر بدو می شورند. در چنین صورتی کوچکترین اثری از شناخت و تحلیل علمی وجود ندارد. در این شیوه از اندیشیدن نه تنها لزوم وجود آزادیهای سیاسی و دمکراسی برای تشکل سازماندهی و تعلیم و آموزش پرولتاریا فراموش شده، بلکه این مطلب نیز فراموش شده که طبقه در صفحه ۱۶

رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران است

هموطنان مبارز

علیه فشارها، ظلم و ویداد گریهای رژیم مقاومت کنیم!

موارد، مردم را با ید تشویق کرد که آخسار مبارزات مردم و نیروهای انقلابی را بهر وسیله و از جمله تلفن در اختیار هم بکنند. جنبه دیگری از سیاست اختناق و اعمال فشار رژیم متوجه تاسکی ها است. رژیم که از این نهادهای سیاسی تبلیغاتی و فشاری عاصی شده بود طی تهدیدات مکرر و صدور اعلامیه ها طی از طرف ستاد امنیت تهران، دادستان انقلاب و... برای تاسکیرانان خط و نشان کشید و طی با بنجاحات تعویضات با فرستادن ما موریتی به داخل تاسکی و با زکردن سر صحبت گوش به شناسا تاسکی تاسکیرانهای متفرقی کرده و سپس با جلب پاره ای از آژانسگان تاسکی به کمیته ها و لجنوهای آنها و حتی مصافحه ما شن و در مواردی زندانی کردن آنان، و اعلام پر سروصدای این اقدامات از بقیه زهر چشم گرفت. اما آنچه که باعث فروکش کردن بحث ها در تاسکی ها شده جواختناق و ترس و شایعات فراوانی است که در باره بسیج و بسیج رژیم برای شناسائی تاسکیرانان متفرقی صورت میگیرد. با ید به آژانسگان تاسکی توضیح دادیم که هم چنین مردم پیدا کنند که رژیم قاچاق نیست همه تاسکی ها را کنترل کند. ضمناً هم آژانسگان مبارز تاسکی هم مردم را بد راه ها را سیاسی بکنند که بدون بخطر افتادن جدی کار روزندگی، تاسکی ها نقش افتادگرا نه خود را مانند قبل آدا میدهند.

علاوه بر اینها، فشار رفلا نژادها و حزب اللهی ها بر مردم در مورد حجاب بسیار زیاد شده است. اکنون دیگر علاوه بر اجباری بودن حجاب برای زنان آریات رجوع در ادارات، بیما رستانها و فروشگاههای بزرگ و... کم کم در رندار عایت حجاب را در مفازه ها هم با می کنند. فشار بخوا طر حجاب بخصوص در شهرهای شمال غیر قابل توصیف شده است. با سداران و حزب اللهی ها جلوی اتومبیلها طی را که برای گذراندن تعطیلات دوسه روزی به شمال رفته اند گرفته و اگر و سوریهای خانها تا روی آبرویان نسا شدی آنها فحش و ناسزا گفته و گاهی آنها را به کمیته ها جلب می کنند. در چند مورد که زنان خواسته اند از مفازه ها خرید کنند و فروخته حزب اللهی بوده کار بردگیری لفظی کشیده شده است. مثلاً طبق گزارش در جاکوس یا سداران زنهای سی حجاب را به کمیته ها جلب کرده و دوزن را در میدان جاکوس شلاق میزدند. با پس ترتیب کاری کرده اند که اغلب کسانیکه در چند روز اخیر به شهرهای شمال رفته اند ار مسافرت خود سخت پشیمان و بیسزار شده اند.

مردم از دست ما مورین کمیته ها و فالانژها در کوجه و خیا نها هم امنیت ندارند. اسرورها مردم سرا ی عدم زدن همه خیابانها تمبر و دوتریح میدهند در خانه ما سانه با رکها هم مدتی از طرف شهرداری بسته شده بود. مردم را نومبیل ها هم، چند زهران و چند زهر سهرسها ایمنی دادند و قدم بقدم آنها را متوقف کرده و با زرسی میکنند. م اغلب با زرسی ها با توهین و فحاشی به خصوص نسبت به خا نهاست و با کوچکترین غشی سر نشستن را توقیف میکنند و به باز حوئی میبرند.

خلاصه رژیم که در بحران سیاسی-اقتصادی، بقیه در صفحه ۱۱

مثلاً در موارد دیده شده است در صفتی که از آن فردی را قبلاً به کمیته برده اند و وقتی زسی خواسته از نا راجتی جنگ و گرانسی دهان به شکره یا زکند مردم داخل مفسها با نا را حتی گفته اند "خا نلطفاً حرف نزنید تا خود ما را بدر سر نیا نندازید!" اما در عین حال مواردی هم دیده شده که وقتی فالانژها با سدارای خواسته است معترضی را به کمیته ببرد مردم یک دست جمعی به کمیته رفته و علیه خیرچین و وفانژها شد داد و آفند را بیستاده اند تا اینکه فرد دستگیر شده را آزاد کرده اند. بدیهی است گسترش این چنین نمونه ها است که میتواند از اقدامات جنایت آمیز حزب اللهی ها و فالانژها و ما مورین کمیته ها در شکار تحک تک افراد معترض جلوگیری کرده و مانع ایجاد ترس در مردم شود. نیروهای انقلابی با ید با برنا مریزی در این زمینه با اعتراض بوده ما زده و مفاومت آنها را تقویت و سازمان دهند.

از موارد دیگر اعمال فشار و اختناق به مردم کنترل تلفنهاست. از مدت پیش تلفنهارا با نحاء مختلف شدیداً "کنترل" میکنند و چون نمیتوانند همه تلفنهارا کنترل کنند لذا در مواردی تمملاً نظا هر به کنترل تلفنها کرده و حتی خودشان شایعاتی مبنی بر کنترل همه تلفنهای مپی پراکنند و با انداختن مویرا دیوروی تلفن ها (بخصوص تلفنهای عمومی) نشان میدهند که مشغول کنترل تلفن هستند. گاه اتفاق افتاد وسط مکالمات تلفنی وارد خط

شده و تذکراتی داده اند. این امر در مورد تمام تلفنهای شهرستانها و خارج ز کشور ممدق داشته و بدون شک همه آنها کنترل میشوند. طبق اطلاعات، تعدادی از مردم را بخاطر آنکه در تلفن حرفهای زده اند که بوی مخالفت با رژیم را داشته با زداشت کرده اند.

با این ترتیب رژیم نمیتواند حتی شکایات و درد دلها ی تلفنی مردم را هم تحمل کند برخلاف اصل ۲۵ قانون اساسی دست بخت خودشان که "مکالمات تلفن را مضمون از هرگونه ضبط و کنترل و استراق سمع اذیتهاست". مکالمات مردم را تحت کنترل و استراق سمع قرار داده و آنها را بخاطر آنقا دکردن از حاکمست مورد پی گیری و اعمال فشار قرار میدهند. رژیم با این کار قصدش اینست که مردم از تلفن بسرای انتقال خیر و آرزوهایشان را بیایستی استفاده نکنند. اما علیرغم تمام این فشارها و محدودیت ها مردم با شیوه ها یگوناگون و الفاظ قرار دادی و استعاره که از خصوصیات جوامعی است که اختناق و سانسور بر آن حاکم است. حرفهای خود را زده و آخسار را با یکدیگر رد و بدل می کنند. آخسار را عدا مها و دستگیرها را با نا را حتی بهما اطلاع دادند و مقابل ضرباتی که به رژیم وارد میشود با خوشحالی رد و بدل می شود.

در این رابطه ما ید مردم را تشویق کرد که تسلیم از عاب رژیم و ناسیاعت او در فشاره کنترل همه تلفنها نبوند. با ید مردم توضیح دادیم که رژیم قاچاق نیست تمام تلفنهارا کنترل کند. ضمناً ما زران با ید هم با سدار مکالمات تلفنی آنها با عت لسو رفتن رابطه ها و دست با ید رژیم اسرار شکنجایی گروهها نکردد. اما نحر در این

بقیه از صفحه ۱
رژیم از خمینی گرفته تا ائمه جمعه ها، از دادستان گرفته تا فرمانده سبها با سداران، از پیشما زهای مساجد گرفته تا تمام رسانه های گروهی، همه را بکار گرفته و روز و شب تلاش میکنند که از طریق جاسوسی مردم نسبت به هم دیگر چیزی عایدش شود. اما خوشبختانه بعلمت بسی اعتباری رژیم و فروریختن توهنات مردم، این شگرد رژیم که با تبلیغات کرکننده و بیست و چهار ساعتی خمینی و دارو دسته اش همراه است، بجز موارد نا درنی شرت کرده است. مردمی که خود را حاکمیت بندت نفرت دارند چطور میتوانند علیه همسا به نا راضی خود جاسوسی کرده و او را لو بدهند؟! و از اینرو است که علیرغم تمام این تهدیدات، خلق مبارز و انقلابی ما دست رد بسینه رژیم زده است.

ولی اگر رژیم در زمینه لو دادن همسا موفقیت چندانی نداشته و اینرا خود درک کرده است، اما از این وسیله برای ید بس کردن مردم نسبت به هم و مانع از همکاری و همبستگی با یکدیگر و جلوگیری از انتقال اخبار توسط مردم استفاده کرده است. علاوه بر این نتیجه دیگری که در این مورد گرفته مسلط کردن فالانژها و حزب اللهی های محله ها بر جان و مال و ناموس مردم بوده است. مردم یعنی ندا رنده که هر آن گروهی و باش و جافو کش و جانی تحت عنوان "مردم" بخانه ها شان ریخته و آنها را مورد تعرض و آزار و زحار قرار دهند.

در این رابطه نیروهای آگاه و سازمان های انقلابی با ید با تقویت روحیه مردم و دادن رهنمود، تبلیغات رژیم را خنثی کنند. حتی در مورد عنا صرن آگاه که هنوز در ذهنیت مذهبی (بیرونی از وظیفه شرعی) هستند بسا روشنگری در باره مبارزات انقلابی و اهداف آنها، توضیح دهند که مبارزات مبارزان بی کف، صادق ترین، آگاه ترین، خدا میریالیست ترین افراد هستند که بخاطر سپهر و زلیخا جان خود را در تطبیق اخلاقی گذاشته اند. در عین حال بر نیروهای انقلابی است که بسا گوشمالی و محارفات جاسوسان و سخن چینان، نشان دهند. کسانیکه نقش خائنین بسه خلق را بازی میکنند و باعث میشوند که جوانان مبارز ما به جوجه های اعدا م سپرده شوند بی محارفات نخواهند ماند.

از اینک بگذریم، کار اعمال فشار به مردم و گسترش اختناق به مصفهای گوشت و آرزاق کشیده است! افراد حزب اللهی و فالانژها، اعمال زدن مردم متصدد که اگر کسی از او با عت بسا مان زندگی نکایت کند او را به کمیته برده و "تادیش" کنند. در چند مورد ما هده شده که زنانی را که توسط فالانژها لو داده شده اند علیرغم اعتراض مردم به کمیته برده اند. در این موارد کار را بجایی رسانده اند که حتی عده دیگری از هم بسور رسوا نا هده به کمیته برده و در آنجا مردم را بخاطر شکایت وضع بسا مان زندگی شلاق زده اند و دست آخر هم از آنها تعهد گرفته اند که اگر دیگر از وضع شکایت کنند بسرا نا فرستاده شوند! رژیم با اعمال جنایات، میز قصد دارد جلوی اعتراضهای مردم در مصفوف آرزاق گرفته و آنها را وادار کند خفقان گرفته و ما سندرسه بر سرهای ما عتھا در صفت ها با بستند و مردم رسوا و رند! البته رژیم با این جنایات در مواردی هم موفق بوده

پیروزی باد مبارزات ضد امپریالیستی دموکراتیک خلقهای ایران

ایرلند

مرگ نهمین و دهمین مبارز ایرلندی

بحران سیاسی ایرلند را تشدید کرده است

طی چند هفته اخیر همراه با مرگ نهمین مبارز ایرلندی و سپس دهمین مبارز، یک دل‌دوان که بیش از ۶۰ روز را عصاب‌غذا می‌برد و سوخامت گذاردن - حال پتریک مک خون ۲۵ ساله را منتهی حرکات سیاسی و نظامی تا ایرلند جنوبی نیز رسید و در دو بلین (پایتخت ایرلند جنوبی) و چند شهر مرزی، تظاهراتی برپا شد که بدرگیری‌های خشونت‌آمیز میان پلیس و تظاهرات‌کنندگان انجامید.

اوچگیری موج خشونت در ایرلند شمالی و سرایت آن به جمهوری ایرلند جنوبی، این دولت را وادار ساخته که به موضعگیری در قبال این حوادث بپردازد. دولت ایرلند جنوبی که خود دولتی وابسته به امپریالیست‌هاست اخیراً "دست به موضعگیری جدیدی زده و آن اینکه شخص نخست وزیر انگلیس را مسئول مرگ زندانیان اعتقابی معرفی کرده است. دولت دو بلین با این کار خود که بی‌انگیزه‌ها را موجود در میان امپریالیست‌های اروپائی نیز هست، در تلاش است تا ماهیت امپریالیسم انگلیس و سیاست‌های سرکوبگرانه آن را کتمان کرده و تماماً می‌خواند ایرلند را تنها ناشی از بی‌کفایتی مارکسیت‌ناچروآنیسم نه بعنوان عامل پیش‌برنده سیاست‌های امپریالیسم انگلیس، بلکه بعنوان فرقی که تظاهرات شخصی خود را دنبال می‌کند.

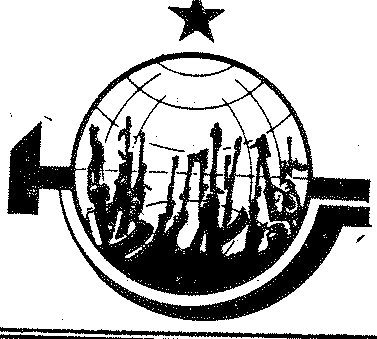
قلمدا دنما بد. تا جا شبکه در اینباره نخست وزیر ایرلند جنوبی در مصاحبه ای اعلام می‌کند: "۱۰۰۰ گروهر نخست وزیر دیگری انگلیس بر سر کار بود، این مسائل (مسئله ایرلند) حل شده بود."

حادثه در ایرلند و موضعگیری‌های اخیر ایرلند جنوبی زمینه‌های است تا تفا‌دهای موجود میان امپریالیست‌های اروپائی عضو جامعه اقتصادی اروپا نمایان شود. کشورهای اروپائی، عضو این جامعه و در راس آن فرانسه و آلمان در - عددند تا با انتقاد از سیاست‌های دولت تا چرود دفاع از موضعگیری‌های ایرلند جنوبی، رقیب دیرین رادربازار مشترک - تضعیف کنند. دولت فرانسه تصمیم گرفته است از موضع دولت ایرلند جنوبی مبنی بر مطرح کردن مسئله ایرلند در اجلاس آتی با زار مشترک پشتیبانی کند.

اما علیرغم موضعگیری‌های عوام - فریبانه و توطئه‌گرانه دولت ایرلند، روشن است که تنها دولت محافظه‌کار مارکسیت تا چر، بلکه هر دولت بورژواشی دیگری که در انگلیس بر سر کار آید قدامت در حل مسئله ایرلند نخواهد بود. این مسئله تنها با مبارزات انقلابی خلق ایرلند حل خواهد شد.

جنبش جهانی

کارگری - رها بخش



با پیشبرد سیاست نظامیگری به شیوه‌های سازگارانه نیز توسل جستند. لکن مهم در اینجا سیاست حمایتی آشکارا دولست مرتجع عربستان سعودی است که با ارائه طرح پیشنهادی‌اش، آشکارا به دفاع از اسرائیل و مخالفت با جنبش فلسطین سرخاسته است.

دولت مرتجع عربستان سعودی مدت‌ها تلاش می‌کند تا هیت واقعی خود را در پسین دفاع ظاهری از خلق فلسطین پنهان داشته و خود را ضد صهیونیست و مخالف سیاست‌های تاجران و زکرا نه اسرائیل قلمدا دکنند. لکن با گسترش جنبش انقلابی، بناچار سیاست‌های عربیان در مقابل خلق فلسطین قرا گرفت و برای پیشبرد سیاست‌های امپریالیستی صهیونیستی شتافت تا هر چه زود تر سیاست‌های پشت پرده قرا را دکمپ دیوید بسطی شق رزمنده فلسطین تحمیل کرد.

هدف طرح هفت ماده‌ای عربستان که ظاهراً "در مخالفت با قرا را دکمپ دیوید عنوان شده است در واقع چیزی نیست جز آنکه زمینه را برای برسمیت شناختن اسرائیل از سوی فلسطینیها و اتحاد - شیوه‌های سازگارانه هموار کند. دولت مرتجع و وابسته به امپریالیسم عربستان سعودی سعی دارد تا حمایت از سیاست امپریالیستی و صهیونیستی‌ها را از پیش نیروهای انقلابی را تحت فشار قرار دهد و بین صفوف مبارزین فلسطینی تفرقه ایجاد کند و آنان را از راه انقلابی منحرف کند و چنانکه جنبه خلق برای آزادی فلسطین در بیانیه‌ای اعلام داشت: "این طرح‌ها در واقع برای مذاخله در مورد خلق نهضت و مقاومت فلسطین صورت می‌گیرد."

خلاصه اینکه دولت عربستان سعودی - نیز در گفتار و طرح کمپ دیوید را رد می‌کند در حالی که در عمل با برسمیت شناختن مواجعت دولت صهیونیستی اسرائیل و تشکیل - دولت فلسطینی در کنار ره‌غربی روداردن، همان سیاستی را پیش می‌برد که بر اساس آن طرح توطئه کمپ دیویدی ریزی شده است.

با این ترتیب ملاحظه می‌شود که تلاش‌های بسیاری از سوی امپریالیست‌ها، دولت‌های مرتجع عرب و جناح‌های سازگارانه در درون جنبش فلسطین بعمل می‌آید تا مسئله فلسطین را در چارچوب منافع امپریالیسم صهیونیسم و ارتجاع منطقه حل کنند. اما علیرغم این تلاش‌های مذبح‌خانه خلف‌های تحت ستم عرب و انقلابیون فلسطین دریافته اند که تنها با اتکا به جنبش توده‌ای قادرند در برابر سرکوب‌ها و تهدیدات و در برابر طرح‌های رنگارنگ امپریالیستی - صهیونیستی و ارتجاع عرب ایستادگی کرده و سرانجام به پیروزی برسند.

طرح‌های رنگارنگ برای "حل مسئله فلسطین"

جرتوطئه‌هایی برای بزنجیر کشیدن فلسطینیها نیست

فلسطین

با کستان و مصر، طرح استقرار نیروهای چند ملیتی و نیروهای واکنش سریع - در حمرای سینا (که ما در باره آن در شماره - های قبیل توضیح دادیم) و تشکیل فرماندهی نظامی ویژه خاورمیانه و وابسته به پنتاگون (وزارت جنگ آمریکا) در دستور قرار می‌گیرد و در این میان حملات وحشیانه دولت صهیونیستی اسرائیل از سر گرفته می‌شود.

از سوی دیگر امپریالیسم - صهیونیسم و ارتجاع عرب، همراه با این شوخ‌گامال فشار رسمی می‌کنند به شیوه‌های سازگارانه نیز، قرا را دکمپ دیوید را به خلق فلسطین تحمیل نمایند. سرفرگین به ممر به هنگام انتخابات در اسرائیل (که به منظور تقویت مواجعت اورت گرفت) و سفر اخیر سادات به او شنگتن دقیقاً بر اساس چنین سیاستی با به گرفته است. سادات در سفرش به - او شنگتن با گرفتن زست دفاع از انقلاب فلسطین از امپریالیسم آمریکا می‌خواهد که با سازمان آزادیبخش فلسطین مذاکره کند و لی‌ها همانا ما می‌کنند که این سازمان تنها نماینده خلق فلسطین نیست. این سیاست جزای نیست که سادات و متحدینش می‌خواهند در سرکوب خلق فلسطین جان - تا زده‌ای به روند قرا را دکمپ دیوید بسطی بخشیده و جهت پیدا کردن آن بکشوند. در عین حال نیروهای محافظه‌کار رومنا زکرا درون جنبش فلسطین را که با حادثه - شعراضات طبقاتی و تضعیف و گسترش انقلاب به راه‌حلی‌های سازگارانه گرایش نشان می‌دهند، به زدوبند‌های سیاسی بکنند.

سیاست سازش و سرکوب و گناه عقب - نشینی، سیاستی نیست که امپریالیسم - صهیونیسم و ارتجاع عرب تا زده‌ای توسل جستند. امپریالیست‌ها همواره

سفر سادات به او شنگتن، ارائه طرح - پیشنهاد سازگارانه از سوی دولت مرتجع عربستان سعودی و همزمان با این دو - آغاز مجدد سیاست‌ها در لبنان توسط رژیم صهیونیستی اسرائیل و افزایش حرکت - های نظامی آمریکا در منطقه، همه و همه مبین این واقعیت است که این سار - امپریالیست‌ها، صهیونیست‌ها و دولتهای مرتجع عرب همزمان، سیاست سرکوب و سازش را در پیش گرفته‌اند. در این میان دولتهای مرتجع عرب به سادات با تالیزوری نقش بازی می‌کنند.

هدف این سیاست چنین است که بنا اعمال فشار نظامی بر خلق فلسطین و - جنبش مترقی لبنان، سپهر شکلی، زمینه‌های پذیرش توطئه کمپ دیوید را از سوی فلسطینی‌ها فراهم آورد و به دیگر سخن جنبش انقلابی فلسطین را از طریق راه‌حلی - سازگارانه امپریالیستی - صهیونیستی و ارتجاع عرب به سازش کشاند. راه‌حلی که برسمیت شناختن مواجعت دولت صهیونیستی اسرائیل بر سرزمین‌های اشغالی از سوی فلسطینیها در برداشته و طرح خود مختاری فلسطینیها در ساحل غربی روداردن و نوار غزه را در بن خویش دارد. سیاستی که هدفش قرا را دکمپ دیوید فلسطینیها در میان گازا از سر دولت صهیونیستی اسرائیل و اردن می‌باشد.

درواقع توطئه کمپ دیوید که بخاطر تسلط کامل بر منطقه و سرکوب فلسطینیها صورت گرفت، اپنیابا ر صورت سازمان - ها قهرت‌تری بر حمله جرا در می‌آید. از زیگسو همواره با تقویت نظامی و اقتصادی کشور - های سرسپرده‌ای مانند اسرائیل، عربستان،

مستحکم باد پیوند جنبش طبقه کارگر و جنبش‌های رها بخش سراسر جهان

یادداشت‌های تاریخی (۲)

مقدمات کودتای ۲۸ مرداد

با پایان گرفتن جنگ جهانی (۱۸-۱۹۴۵) اردیبهشت ۱۳۲۴) مسئله نفت و وارد مرخصه نویسی شد. بحران اقتصادی و سیاسی ایران را فرا گرفت. سقوط دولت‌های بی‌درستی - (سعد بیات، حکیمی، صدر، حکیمی) از اردیبهشت تا بهمن ۱۳۲۴ خودیبا نگر عجز هیات حاکم در تشکیل دولتی "مقتدر" برای حل این بحران‌ها بود. مسأله تخلیه ایران از اقوام متغیبن پیش آمد. سرکوب آزادی-خواهان و حمله مطبوعات از طریق جناح‌های ارتجاعی و دارودسته سیدضیاء الدین آغا کرکنت، کلوبها و چاپخانه‌های حزب و نیز کارخانه‌ها مورد حمله ارتجاع قرار گرفتند. در چنین شرایطی ارتجاع حزب توده از "تخلیه" ایران توسط فوای متغیبن به مخالفت برخاست: "برای آنکه ارتش‌های انگلیس و شوروی ایران را تخلیه نمایند، باید این دولت مطمئن شود که در ایران تکیه‌گاه‌هایی علیه آنان ایجاد نخواهد شد." و هرمان خواستار "تصفیه هیات حاکمه" از عناصر راجا‌خانی، هم‌چون سیدضیاء، دشتی و صدرا اشرف شد. حزب توده در دشتی سبب ارتجاع محض بود، لکن خودفا در به انگیزه نیروی توده‌ها نبود.

در چنین شرایطی افسران سرانوده‌ای، قیام - خراسان را در ۱۳۲۴ برپا کردند و در مرداد ماه این سال دست به خلع سلاح فوایدولتی زدند و طرح جنگ مسلحانه را از طریق ترکمن‌ها و نسلخ‌آنان ریختند. طرحی که به علت مخالفت رهبری حزب با شکست رو برنورد. همین افسران بودند که جهت آموزش نظامی افراد "فرقه دموکرات" به آذربایجان گیل شدند. (تغریبان، قیام افسران خراسان، ۱۳۵۹) حکومت خودمختار آذربایجان بر اساس "آزادی ملت در تعیین سرنویت خود" و برپایه "آزادی خلی و مختاریت مدنی" و با بسیج‌نوده‌های مسلح‌هفاتی در ۱۳۲۴- اعلام موجودیت کرد. در پیروزی نهضت کمک‌های مادی شوروی و مخت موثر افتاد. ایوانف میگوید حزب توده ایران هم‌فره‌رایاری داد و کمینه‌ای لنتی حزب با چهار هزار عضو خودبه حزب موکرات آذربایجان پیوست.

(ایوانف، تاریخ‌نویس ایران، ۱۵۰۸). - لکن نظرات افسران نوده‌ای غیر از این است. آنان معتقد بودند که حزب توده کمکی نکرد. چرا که "رهبری حزب پشت میز کمیست شده" لکن ما پیروزی را به حزب "سلاج" و "مقابله مسقیم" با نظم حاکم بدست آوردیم. فرقه ساپروالیات را به "قیام" می‌خواند و قول "کمک" و یاری به ما می‌نماید. می‌داد.

اکنون دول امپریالیستی ایران - سودد که برای مقابله با نهضت‌های محلی در آذربایجان و کردستان (در همان سال - فرقه دموکرات کردستان بدستال یک قیام برپا شد)، با بددولت مقصدی "ظهور دولت فوایم روی کار برپا بدوید دولت شوروی به مذاکره بنشیند. فوایم سلطه در بهمن ۱۳۲۴ نخست وزیر شد. کار را بدیکرا مبارک‌سخت سال را در آرای مطع فرقه شوروی به آذربایجان و خلیه ایران از آراسی سرچر در سورکار روزمره را داد. مذاکرات با سفروا مه‌مکو و در اسفند همان سال آغاز شد و او در رابطه با این مذاکرات اعلام‌داشت: "ساخت استنتاج روی اساس موازیه و مودب و احرام

متفابل با سه دولت بزرگ و متفق ایران استوار میباید شد. در این موقع که بر اساس سرکلکراف پرمهر و محبت زینرا لیسما ستالین و ابرار زودت کامیل از طرف اتحاد جماهیر شوروی... عازمه مسکو میباشم، امیدوارم به باری خدا و تدبیر پیشینیان ملت ایران - موفق شوم."

ساخت فوایم مودرتا شید شرکت نفت و رجال انگلیس هم‌بمورد، نوشتند: "مسادر انگلستان را چه با متبیا ز نفت شمال بسه نفع شوروی اعترافی ندادیم، دولت آمریکا هم اظنار را میدوای میگرد که بتوانند "در راه مفیدی بکوند" و بعنوان میانجی مسأله ایران را بطور عادلانه‌ای حل نماید، بطوریکه منافع انگلستان و روسها هر دو تا مین خودور و سه و انگلستان هر دو بتوانند منافع ایران را مودر اسفاده‌ها در دهند." (اطلاعات ۲۳/۱۲/۲۴)، احسان طبری و علم بصیردان حزب سبز، جزاین پیشینادی - نداده بودند.

در مذاکرات شوروی و ایران، شوروی - نخست پیشنها د کرد که به‌حالی امتبیا ز نفت شمال، شرکت مختلطی مرکب از نمایندگان دولت برپا شود تا ۲۵٪ سهم ایران - ۴۹٪ سهم شوروی ۵۱٪ شد. لکن طرح‌ساخت شرکت مختلط با مخالفت فوایم رو برنورد، به همین خاطر شوروی، سرسرا متبیا ز نفت شمال، پیشنها د خود را تکرار کرد. بواسطه تا مه ایران و شوروی در فروردین ۱۳۲۵ به امضا رسید و قرار شد از تصویب مجلس بگذرد.

بدستال این توافق‌نامه و آمدن بلدچیکف سفیر شوروی به ایران سو دکه تخلیه ایران در اردیبهشت ۱۳۲۵ آغاز شد. در همین زمان آذربایجان در معرض سرکوب دولت مرکزی قرار گرفت، که حزب توده سیاست پشت‌کردن بدار را در پیش گرفت. در موضع‌گیری جدید خود اعلام کرد: "البته اگر نهضت آدامسه می‌یافت، امکان داشت جنگ به "مرزهای شوروی" گشاینده شود" و "منتبیا بگانه - سوسا لیسما بخترافند. "بلذا" برای دفاع از انترناسیونالیزم پروکتری آذربایجان تا چارمده سلحه را بر زمین گذارد و تسلیم شود." (گذشته چراغ راه آینده است، ص ۳۳۱). "یک عقب‌نشینی سودمند از یک حمل‌سسه زبا محض بهتراست". و با لخره اعلام‌داشت که "حزب ما با قیام موافق و "خونریزی" سرسرا زکار رندارد؛ بلکه معتقد است فقط - بلید در دنیا صلح‌هایی و پیشرفت آزادی در سرسرا علم به پیش رویم. روزنامه مردم در شماره ۲۵/۱/۱۵، "منی نوین حزب" را چنین ترمیح کرد: "بما سرحزبی در مبارزه - احتمای خود در راه‌هایی که کوچکتر بسن احراقی حاصل بکنند، "افراد خطا کار" را ساساتی و "معرفی" کنند، "تا اطلاع - تا سوب" را در آدن هرکوسه شریه، روزنامه، سانه و اعلامه خود را در ورورد، در باره ما هست حزب ما "دستمان" ما، به‌حکامه‌اند که ما با سلطنت مخالفیم، "البته ما مخالف رژیم سلطنتی هستیم، جدا - مودر تکدیست ساسیت، برعکس. "هدف ما آزادی همان آزادی است که در فوایم اساسی سرسراست" ده "بوسر" تا کند می‌کنیم که حزب مسیح "بسیج‌نوده‌ها مالکت محض (سراسر) به‌داری

تجارت، ما لکیت زمین، مستغلات، مخالف نیست. در مورد مذهب هم ما خود را "حامی شما لیبم سلام" میدانیسم و مفتخر "خواهیم بود که از "حمایت روحانیون" برخوردار - باشیم.

بدینسان سرکوب و حشیا نه نهضت آذربایجان و قیام مکردستان آغاز شد. افسران توده‌ای از آدامه‌کک به حکومت خودمختار منع شدند. همزمان سرکوب آزادی‌ها و آزادیخواهان بر راه افتاد. افراد حزب نوپای "دموکرات" بر رهبری فوایم سلطه، دستگامعی دولتی و پلیس را در پیورش به مراکز جمع و اتحادیه‌ها به‌کار گرفتند. در حالیکه حزب توده هواداران خود را از هر نوع تبلیغ و اقدام بر علیه نظم حاکم منع می‌کرد، در تیرماه ۱۳۲۵ اگران نفت جنوب - که ایوانف تعدادش را ۱۵۰ هزار ذکر میکند (تا ریخ‌نویس، ص ۱۲۲) علیه تضیقات شرکت نفت و برای بالاسردن دستمزدها، دست به اعتصاب بکپا رچه زدند. دولت اعتصاب را "غیرقانونی" اعلام‌داشت و در سرسرا غوزستان هما نندته‌ها را و اصقها ن، حکومت نظامی برقرار کرد. چندین هزار کارگر را خراچندند - در برابر اتحادیه‌های کارگری، دولتی، اتحادیه‌ها و فرمانی "زود برپا کرد" - رهبران اتحادیه‌ها که در برابر تکلیف‌نشان اعتصاب دست‌داشتند، از حق کار محروم - شدند. گرچه بعدا حزب قیام کارگران را به حساب خود گذاشت، لکن مواضع حزب در جهت محکوم کردن آن خیزش بود. رهبران هنوز به امیدگشایی مجلس یا نزد هم‌کام با یکسال و اندی تا خیرودر ۱۵/۲/۲۶ افتتاح شد نشسته بودند. در طی این انتظارها، اتحادیه‌ها و صبر و شکیبایی آشکارا از زمان قیام شرکت نفت پیشینانی می‌کردند. در اردیبهشت ماه ۱۳۲۶، روزنامه "مردم" می‌نوشت:

"دولتی میتوانند حاکمیت ایران را در خورستان مستفرما زد که علاوه بر اصلاح - ظلمی و میهن پرستی، مودر سوب ظلمت بریتا نیای کبیرتبا شد و بتوانند منافع قانونی شرکت را در خود ببیمان ها و قوانین حفظ نمایند". بدیهی است مفهوم این موضع‌گیری جزاین نبود که حزب توده با هر نوع اعتصاب و خلال در کار شرکت سرسرا زکار رنداشت.

با افتتاح مجلس، توافق‌نامه ایران و شوروی در دستور کار قرار گرفت. اکنون دولت فوایم می‌توانست با فراغت یال، توافق‌نامه را مه‌ار کند. در ۲۹/۲/۲۶، فوایم گزارش خود را در باره نهضت شمال به مجلس آورد. دولت شوروی از طریق سفیر خود، "سا دجیکف" تقاضا داشت "موافقت نامه به طور کامل اجرا شود". مجلس با اکثریت - آراء موافقت نامه را در غیاب فوایم رد کرد. غیبت فوایم علت داشت، در طی تا خبر گشایش مجلس، دولت آمریکا مذاکرات - سری خود را با دولت ایران آغاز کرد. نتیجه اشفا دیک پیمان نظامی موانع دولت بود. مطابق آن پیمان، مستشاران آمریکائی "همکاری با وزارت جنگ"، "کارهای سیاسی ستاد ارتش و کلیه شعبات وزارت جنگ"، "بالا بردن استعداد جنگی ارتش ایران" را برعهده می‌گرفتند. هم‌چنین نسبت به تمام افسران ایران... ارشدیت داشتند، حق بازدید و بررسی تمام "اسناد و مدارک و گزارشات و مکاتبات مودر" نیز "را به دست آوردند. همان روزی که موافقت‌نامه ایران و شوروی در مجلس طرح‌بمورد، جورج - آلن معاون وزارت امور خارجه آمریکا در شهران با فوایم در حال مذاکره بود. - دولت آمریکا قول "کمک" های بیشتری نیز

نه‌سازش نه‌تسلیم نبرد با آمریکا

مقدمات کودتای...

می‌دادند از آن خواستار کاهش روابط اقتصادی با شوروی بود. همچنین آمریکا از انگلستان می‌خواست که به جای ۲۰٪ - معمول ۴۵٪ تولید نفت جنوب را به آن دولت واگذار کند. انگلستان نیز بی‌طرفی لکن قبول کرد. ما لکیت بحرین را به علت استخرای نفت بحرین توسط دولت آمریکا می‌دانستیم. استاندارد و اویل کالیفرنیا و "تنگنا" و اویل، به آمریکا بد هستند. گذشته چراغ راه آینده است (۴۵۳)

همزمان جنبش فدا ستمکاری، کما همگام در حال شکل گرفتن بود. منتها ابتکار عمل را جناح مصدق داشت که علم مخالفت با مصادق را اولین بیانیته را در همان سال "حزب ایران" داد. مبنی بر تشکیل "دولتی لایق"، برکناری مستشاران خارجی استخرای نفت، تبعیض نفتی بدست ایرانیان، تعدید امتیازات و تسهیل فروش نفت به شوروی. حزب توده، بین پیشنهادها درام غیر عملی "خواندوگفت": "اگر روز میر نیست با سرمایه‌های داخلی نفت کشور استخراج نمود" و انگهی "نتیجه لغای بانک شاهنشاهی و شرکت نفت جنوب ایرانست که آمریکا به آن میدان سیاست ایران کرده". (کارنامه مصدق و حزب توده، ص ۵۸)

این بود موضع گیری حزب توده در نخستین مرحله مبارزه علیه امتیازات نفت. اما گویاست که پس از آن همه سال و هنوز، حزب در توجیه آن سیاست و توضیح سرکوب‌ها می‌کند. بدینسان آمد، می‌گوید: اگر آن موافقت ناهم تصویب میشد، تمام نظارت‌ها و تکرارها که در بین المللی نفت را در خلیج فارس برهم می‌ریخت. به این دلیل هیات حاکمه ایران که در اوج جنبش ملکی مجبور به امضای آن شده بود، پس از شکست جنبش تصویب آن امتناع ورزید. (اف. جوانشیر، تجربه کودتای ۲۸ مرداد، انتشارات حزب توده، ایران، ۱۳۵۹، ص ۴۵) اما اینکه دشمنان و "مخالفان" ما اقدامات مصرانه ما در اعطای نفت شمال را انتقاد می‌کنند، اینان می‌خواهند این فکرا را به مبارزین تلقین کنند که گویا اگر حزب توده ایران جزوا ردوگا نه جانی کارگری و کمونیستی نبود، "وبه" ورطه دشواری می‌غلتید، راه درست تری می‌رفت... (همانجا، ص ۱۰۴)

اما در باره قوام - که همواره نخست وزیر محبوب حزب باقی ماند - در قیاس او با مصدق - کمیته مرکزی و قلمبهردان حزب، چنین نتیجه می‌گیرند: در مسئله نفت "او جهنم مصادف است با" او چنان سیاست نامبارک زنگانی ایران و شوروی. در سال های ۱۳۲۵ یعنی دوره قوام، و "شکست - نهضت" مصادف است با "او چنان سیاست ایران و آمریکا... در سال های ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۲ - یعنی دوره مصدق! (همانجا، ص ۱۸۲) - دکتر ترادمنش نیز در دومین کنفرانس حزب توده (۱۳۲۷)، از قوام مواضع حزب در قبال او می‌گفت: "قوام سلطنت‌گرا، بی‌ایمان، بی‌ایستاد و بی‌ایمان است. او چنان سیاست‌های بی‌ایمانانه را در باره ایران و شوروی طرفداری می‌کند، و اظهار می‌دارد که با بدسهر قیمتی باشد، تیرگی روابط سیاسی ما با اتحاد جماهیر شوروی مرتفع گردد. شواست شما که کثرت شورای ملی و از آن جمله فراکسیون حزب ما را به خود جلب کند. ولی حزب ما... در تشخیص حدود حسن نیست. او زیاده روی نموده است." (سیرکونیم در ایران، ص ۲۲۲)

سیاست حزب توده در رابطه با امتیاز شمال، اختلافات شدید در دوران حزب سیرکونیم، از جمله هم‌پایان سال (۱۳۲۶) جناح

رفر میست و دشواری خلیل ملکی (که عضو هیئت اجرایی وقت و شورای حزب بود) انشعبا کرد و به حزب زحمتکشان باقی می‌ماند. وجود عنصری مانند ملکی در مرکزیت حزب، بکه همواره از سلطنت‌ستو امپریالیسم انگلیس و آمریکا در برابر جنبش مردم فدا عکس، خود نشان می‌داد که تعیین کنندگان سیاست حزبی از چه قماش بودند. ملکی در دفاعیات خود (کیهان ۱۸۰، اسفند ۱۳۲۲) هنوز در باره شرکت نفت می‌گفت: شرکت مجبور است که برای خودش - یک حکومت، یک دستگاه وسیع حکومتی بوجود آورد... فعلا "شرکت نمیتواند - انتظار داشته که سونو شومسائل نفتی عظیم خود، را به دست باقیانی که احتیاج به معرفی ندارند، واگذار نماید"، او دولت‌های سرمایه‌داری خاصه انگلستان دفاع می‌کند و اعلام می‌داشت: "حتی از پارتیالمان انگلیس صدای عین عقاید ما بلند می‌شود" و در باره مقام سلطنت اعتراف می‌کند: "من شاهنشاهی را مظهر استقلال کشور میدانم... به مصدق هم توصیه می‌کردم، ما هزاران کیلومتر سرحد (با شوروی) داریم، مقام سلطنت با حفظ تمامیت و استقلال ایران است." (همانجا)

این بود خط مشی جناح دیگری که می‌رفت در هواداری از مصدق، جنبش فدا ستمکاری را رهبری کند. نقش حزب زحمتکشان را در جای خود بدست خواهیم داد. بدینسان انشعبا، حزب توده در تحکیم موقعیت خود، به جستجوی پاران جدید سیر آمد. در فروردین ۱۳۲۷، "جبهه مطبوعاتی ضد دیکتاتوری" را با همکاری سیدضی‌الدین و قوام سلطنت برپا نمود. جناح مصدق نه در آن شرکت جست و نه "جبهه" را آن جناح دعوتی به عمل آورد. در برابر اشتقاقات شدید همکاران با دولت نخست وزیر سابق، روزنامه "مردم" در شماره ۱۴ و دیپلمت - ۱۳۲۷ نوشت: "در این جبهه مطبوعاتی علاوه بر روزنامه‌های حزب توده ایران، روزنامه‌های متعلق به حزب دمکرات ایران، - طرفدار نخست وزیر سابق (قوام) و روزنامه‌های آقا سیدضی‌الدین... شرکت دارند. ولی هیچیک از این دسته‌های مختلف نباید توقع داشته باشند که در جمیع مسائل سیاسی از اظهار مخالفت‌های اصولی با یکدیگر چشم‌پوشند."

در چنین شرایطی بود که با ردیگر مذاکرات نفت از سر گرفته شد. اکنون دولت آمریکا میکوشید، با تحمیل قرارداد های نظامی و اقتصادی، نوبین‌های نفت خواران انگلیس را رفته رفته سست کند. در ۲۲/۹/۲۷ قرارداد استخدام ۶۶ مستشار آمریکا برای اجرای برنام هفت ساله به امضاء رسید. همزمان جورج آلن معاون وزارت امور خارجه آمریکا برای مذاکرات محرمانه "با شاه" وارد ایران شد. دولت انگلیس با "تخاذل" روش فردی آمریکا در قبال نفت به اشتغال برآمد. روزی را رئیس ستاد ارتش ایران - که بعدها در دوره نخست وزیری از حمایت کامل حزب توده برخوردار شد - در جانیادی از منافع انگلیس‌ها، ژنرال شوارتسکف - مستشار آمریکا می‌آورد. مری ایران را - اخراج کرد. با زدر همسایه ما بود. در حالی که آمریکا ثبات با ایجاد ترو ترو و حجت و ساسا امنی مقدمات مجلس موسسان و تشکیل قانون اساسی را فراهم می‌آوردند. شرکت نفت انگلیس برای امتیاز زنیونی، ساسا اولیای دولت به مذاکره سه ماهه نشست. این قرارداد که به "الایحه الحاقی" مشهور شد، تکراری بود برای نخستین قرارداد نفت در ۱۳۱۲ که بدست تقی زاده منعقد شد. گردید. نماینده انگلستان در این مذاکره "گاس" عضو هیات مدیره شرکت نفت در لندن و نماینده ایران گلشائیان وزیر دارایی دولت ساعد بود. لایحه پیش‌بینی می‌کرد که برای هر شش نفت فروخته شده به جای ششلیت، ششلیت بدولت ایران -

پیداخت کرد. بهای فرآورده‌های نفتی در ایران ۲۵٪ رزان ترا قیمت بین - المللی باشد، و مطابق حقوق ایران در قرارداد ۱۳۱۲ (۱۹۳۳) ۵۱ میلیون ریال اضافی نیز به ایران داده شود.

سفر شاه به لندن، مواضع آمریکا و انگلیس را به یکدیگر نزدیک کرد. انگلیس ساز مخالف با طرح مجلس موسسان دست کشیدند و حزب توده تنها ماند. اکنون حزب در باره سیاست انگلستان هنوز تجدید نظر می‌رساند. می‌کرد، از جمله در مورد امتیاز نفتی شاه (که در ۱۸۸۹ م به دوران ناصرالدین شاه - منتقد شده بود) و موعد آن در ۱۱ بهمن ۱۳۲۷ سر می‌رسید، و نیز در رابطه با تجدید قرارداد نفت، حزب توده می‌گفت: اگر آن امتیاز تعدید نشود، و با شرکت نفت مخالفت می‌نماید، به سود امپریالیسم آمریکا است که "یکه تا از میدان" خواهد شد. می‌دانیم که از ۱۵ بهمن ۲۷ و به دنبال تیراندازی به شاه حزب توده ممنوع اعلام شد. حکومت نظامی برقرار گردید، مطبوعات برجیده شدند، و با ردیگر اشتقاق سراسر ایران را فرا گرفت. در ۱۹ بهمن دولت لایحه تجدید مطبوعات و مجازات مرتکبین جرائم مطبوعاتی را تصویب کرد. در اسفند، با استفاده از سکوت سیاسی، شاه دستور - تشکیل مجلس موسسان را داد. داتا بتوانند از طریق تغییر ماده ۴۴ و ۴۸ قانون اساسی، از "مقام غیر مسئول" به مقام مسئول ارتقاء - یا بدو حق انحلال مجلسین را داشته باشند. و چنین شد. هم چنین هیات حاکم، با امید که کسی را برای اعتراض به هیچ تصمیمی نخواهد بود، در ۲۸/۴/۲۸ قرارداد دنگس - گلشائیان را چند روز قبل از پایان - گرفتن مجلس پا زده هم برای تصویب برد. نتیجه برخلاف انتظار بود. در برابر سکوت حزب توده، جناح مصدق سرخشان به مخالفت برآمد و مواضع را تصویب طرح گشت. قراردادها قرار تا مه‌پس از آنجا منتهیات، به مجلس شان زده‌ها را نه شود. از این تاریخ، مرحله دوم مبارزات علیه شرکت های نفتی همراه با مشارکت روزافزون توده‌ها آغاز می‌شود. روحانیت نیز که تا این زمان نقشی نداشتند، با موضع گیری‌های متفاوت به عرصه سیاست کشیده می‌شوند.

ادامه دارد

هموطنان مبارز

علیه فشارها، ظلم و...

جنگ داخلی و خارجی کیچو سردرگم شده است. میخواهد همه فشارها را به مردم منتقل کند. میخواهد مردم را موعوب کرده، شور انقلابی را در آنها کشته و آنها را از صحنه خارج سازد. رژیم فدا خلقی با اعدا نزدیک به ده هزار مبارزان و انقلابیون و با زداشت هزاران نفر خواستار است به خروج مردم از صحنه شتاب دهد. اما تحت جوا انقلابی، دلوری مبارزان و مقاومت آنان و ضرباتی که از جانب انقلابیون به رژیم زده می‌شود این اعدا مها و دستگیریهایشان خشم و نفرت مردم را تشدید کرده است. در این شرایط وظیفه نیروهای انقلابی است که به تقویت مقاومت توده‌ها کمک کرده و این مقاومت‌ها را سازماندهی کنند. باید با یافتن راه‌های دامن زدن به مقاومت توده‌ها - در هر زمینه‌ای - برای تسبیح و گسترش مقاومت توده‌ها برنا مه‌ریزی کرد. باید مواضعی را که جلوی این مقاومتها را سد کرده است از پیش پا برداشت تا این مقاومتها رشد و گسترش یافته و به جنبشی وسیع تبدیل شوند. با زمانهای انقلابی با بددرا این رابطه بطور جدی کار کرده و برای سازماندهی مقاومت توده‌ها برنا مه‌ریزی منظم و سیستماتیک داشته باشند.

حسی چه گفت؟ حسی چه کرد؟

سراب رفاه اقتصادی تشدید فقر، فلاکت و بیخانمانی

در شما ره‌های پیش رو ندیدی که توده‌های میلیونی خلق تحت فشار بیگاری، گران، نمودمکن، شورم‌فزا بیدار و عودم‌وجود تا مین اجتماعی و... به مبارزه با رژیم ضد خلقی پهلوی برخاستند را بررسی نمودیم و دیدیم که چگونه خمینی در بسیاری موارد با وعده‌های فریبنده در مورد پیشه‌کن کردن وابستگی و مقابله با امپریالیسم و... توده‌هایی را که تحت فشارها و دزدندگی بی‌خاسته بودند به امیدنا مین همین دنیا بدینا خود را نه ساخت. و چگونه پس از کسب قدرت نه تنها این وعده‌ها را چون سا پر سخنانش - زیر پا نهاد، بلکه بی‌پیشه کردن سیاستهای ضد خلقی و سرکوبگرانه سیرگرازی، بیگاری و فقر فزاینده توده‌ها و وابستگی به امپریالیسم را تسریع نمود. اینک گوشه‌ای دیگر از وعده‌های خمینی در این مورد را بررسی می‌کنیم.

خمینی همواره سعی میکرد خود را حاکم روستائیان و کشتا و رزق فلنداد دکنه و در این رابطه وعده‌ها یجادیک کشتا و رزق مدرن و سرویس‌مان با فته را میداد. خمینی مدعی بود که تنها با روی کار آمدن او، نه تنها خود کفایی با رزق و کشتا و رزق ایجاد میگردد، بلکه روستائیان به زندگی مرفه و انسانی دست خواهند یافت. خمینی میگفت: «با رفتن شاه و ترسیم خرابیها ممکن خواهد بود کشتا و رزق که کلی از زمین رفته است - اطلاع میگردد. (۲۴) (۵۷) و ایران به سرعت میتواند مشکل کشتا و رزق خود را حل کند. بطوریکه هم کشتا و رزق یک زندگی انسانی را در حد دیگران برسد و هم مملکت از واردات مواد غذایی بی‌نیاز گردد» - (مجله نیوز و استر دام ۱۸ آبان ۵۷) خمینی که میدادست روستائیان از جور ما لکین به سنگ آمده اند و زمینداران و سرما پیداران آخرین قطره‌های شیر جان آنان را - می‌کشند، بدروغ وعده میداد که «زمینها به ما لکین بر نمی‌گردد، ما لکین ما لکین - اسلامی را در طول تاریخ داده‌اند و تمام املاک آنها به دولت بر می‌گردد» (مباحثه با روزنامه نگاران نوز و فائزین ۱۱ تا ۱۲ لندن و برای تونی ۱۸ آذر ۵۷) و «اگر ما به قدرت و حکومت برسیم روستائیان را که این مالکان به نمان حق منصرف شده‌اند سبط خواهد کرد و بر اساس حق و انصاف - میان همه‌جا را مجدداً توزیع خواهد هیتم کرد... (مباحثه با لوموندیا خواس) - اما شمره تمامی این سخنان سرکوب و کشتا و روستائیان نیست که در جهت به دست گیری زمینها بی‌گشت می‌نمودند حرکت کردند. با طمع داران سرمایه در هر کجا که دهقانان جهت دست گیری زمین حرکت کردند در حمایت از زمینداران به سرکوب و کشتا و رزق آنان برخاستند. خمینی نه تنها به حمایت از مالکین و زمینداران پرداخت نه تنها شورا ی دهقانان را در هر کجا که ایجاد شدند بود کرد، نه تنها فتوای ها را در بسیاری نقاط از جمله فارس و کردستان و ارومیه... مسلح نمود، نه تنها کنتساری سیاسی را در کردستان و ترکمن صحرا در مقابل روستائیان و دهقانان به پیش برد، بلکه حتی اصلاحات بسا زمینداران را با دستور مستقیم خود متوقف کرد. خمینی حتی اجرای بند "ج" را - نیز تحمل نکرد و در مقابل آن ایستاد. رژیم جمهوری اسلامی در مقابل کشاورزی آنچنان سیاست ضد خلقی را به پیش برد که در عرض دو سال - در عرض خود کفایستی محصولات کشتا و رزق - اکثر تولیدات کشتا و رزق را به دست گیری فته و حتی در بسیاری موارد به سفر رسید و در عوض واردات محصولات کشتا و رزق را بدو اکتف داشته است.

سیاست های خمینی در مورد کشتا و رزق و زمینها منطقی سیاست های ضد خلقی سرما پیداری وابسته که مستقیماً "منجر به ویرانی و خرابی از کشته شدن روستا ها میگردد است. و آنگاه نیز که روستائیان به مقابله با این سیاست ها بر می‌خیزند چون کاخ خراسان تنها سا دلوله پاسخ آنان خواهد بود.

وعده های خمینی در مورد مسکن بیشتر است. خمینی با وجودیکه در ظاهر ادعا میکرد انقلاب از قلم توسط حوزه علمیه آغاز شده - ما خود بد رستی میدادست که نطفه ها و بنیام خلق در مبارزات توده های محروم خارج از محدوده بسته شده و این ابتدا نشی ترین حرفه های ضد خلقی تنها جهت بدست آوردن مسکن و در مقابل سیاست ضد خلقی شاه در ایران - کردن خانه ها بوجود آمد. از این رو در مورد تا مین مسکن وعده های بسیاری داد. و حتی پس از قیام نیز جهت فریب توده ها سخن فریبنده ای در این مورد گفت. - "هر چه زودتر مشکل مسکن با بد برای بی خانمانها و فقرای ایران حل گردد و برای هر خان توده مسکن مورد نیازشان تا مین گردد" (اطلاعات ۱۴/۱۲/۵۷) ویا "این از خدا قل حقوق فردا ست که با بد مسکن داشته با شد و مشکل زمین با بد حل شود و هم سا بندگان محروم خدا با بد از این موهبت الهی استفاده کنند، همه محرومان با بد خانه داشته باشند هیچکس در هیچ گوشه مملکت نیاید از داشتن خانه محروم باشد" (کیهان ۱۲/۱/۵۸) ویا "ما میخواهیم مملکت ما مال خودمان باشد... گرسنه ها را سیر کنیم، - سره ها را رام کنیم، ظالمها با این منطبق خواهند" (۵۸/۹/۷) حال بگذریم از اینکه خمینی نه تنها گرسنه ها را سیر نکرد، بلکه بر خصل گرسنگان بیش از ۲ میلیون آوازه جنگی را افزود و نه تنها رستگان را لیاقت نداد، بلکه حسرت لیاقت و کفش را بر دل بیش از ۴ میلیون بیگاری و خان توده ها پاشان با قبی نهاد. اما در مورد مسکن نیز سیاست های رژیم بجز سرکوب، بجز افزایش فقر و بدبختی و بجز بر ضد توده ها چیزی نبوده است.

خمینی در ابتدا گوشه ای شیبیده با زی به نام حبس ۵۰۰ توده ها را بر فریبده ختی نیز توانست در این راه از سوشی تا مدتی توده ها را سرگرم کند و از سوی دیگر میلیون ها تومان به جیب "بالاشیها" سرازیر نماید. سیاستهای بعدی رژیم نیز بجز گران شدن - اجاره خانه ها و کمبایی خانه کرایه ای - چیز دیگری در بر نداشت و فقط توانست بسیاری از خانه های طاقوتی، ویلاهای - فراریان، باغهای سرما پیداران و آبار تانها ها را به طمع داران بزرگ را از شعله های خشم توده های محفوظ نگهدارد. در هر کجا هم که توده ها خود را بتکار عمل را بدست گرفتند با سرکوب و کشتا و رزق آنها پا سخ داده شد. به این طریق خمینی نه تنها به توده ها مسکن نداد، بلکه بخوبی ساکن میلیاردرها و سرما پیداران و ثروتمندان را تحت پوشش حفاظتی خود از باره ضد خلقی محفوظ نگاه داشته

رژیم خمینی چون بسیاری موارد دیگر در مورد مسئله مسکن بخوبی توانست رسالت تداوم سیاست ها را به نمان سر به دست گیرد و خراب کردن خانه های توده ها به بهانه توسعه خارج از محدوده بودن و غمبسی بودن و کشتار آنان را با جدیت و بیگبیری به پیش برسد. خمینی که وعده میداد در ایران با بد ساکن ما هم مسکن شود سیاست خراب کردن مسکن توده ها را در پیش گرفت و فجایع و سرکوبگری ها را چون گردن بره و خاک سفید و تبر بجزو شمن آبا دو... را آفرید.

و این قصه سرد را ز یادارد. مثلاً "خمینی وعده بسیاری داد که حد اقل آب و برق و

اتوبوس را برای توده ها مجانی کند و این با رزق آذوقه آنها بر میگردد و گفت من به دولت را چه معنای کردن آب و برق و بعضی چیزهای دیگر فعلاً برای طبقات کم بضاعتی که در اثر تصمیمات خانمان برانه از رژیم تا هشتا هی دجا ر محرومیت شده اند و با برپا نشی حکومت اسلامی به امید خدا این - محرومیت ها بر طرف خواهد شد سا کسب نمودم که عمل خواهد شد" (۱۵/۱۲/۵۷) آیدگان و این مسئله را آنچنان بدبختی جلوه میداد که میگفت: علاوه بر اینکه زندگی ما دی شما را میخواهیم مرفه شود زندگی منوی شما را هم میخواهیم مرفه کنیم... دلخوش باشید که تنها مسکن میسازیم، آب و برق را برای طبقات مستمند مجانی میکنیم، اتوبوس را برای طبقات مستمند مجانی میکنیم، دلخوش باشید، ما این مقدار را بشاید، ممنویات شما را - روحیات شما را عظمت میدهم. هم دنیا را آباد می‌کنیم و هم آخرت را (کیهان ۱۱/۱۲/۵۷).

اما دیدیم که حتی این مورد نا چیز نیز به اجرا در نیامد. دیدیم خمینی پس از سوار شدن بر آریکه قدرت با زهم روالی را در - پیش گرفت که در نهایت برقی جنوب شهر قطع میشود تا سرمایه داران بتوانند به سه راحتی از کولبرهای خود سربازند و با زهم به "طبقه مستمند" که در مناطق حاشیه شهری مسکنی دارند برقی داده نمیشود و حتی برقی را که با هزاران شقت از تیرهای دولتی میکشند با زور - قطع میکنند. خمینی سیاستی پیشه کرد که در نهایت مستندان را نه تنها آبا دنگرد، بلکه بیش از پیش ویران - ساخت.

اما جالب اینجاست که پس از این همه وعده و وعده خمینی زمانی که تخت سلطانی را قیسه کرد حتی حرفهای خود را انکار نمود خمینی که با وعده های مادی، مشخص و ملموس با وعده لیاقت و غذا و مسکن و آب و برق با وعده حذف گرانگی و تورم، با وعده ایجاد کار و زندگی راحت توده ها را فریبده بود پس از کسب قدرت ادعا کرد که تمامی جان فشانی ها، کشته شدن، تمامی مبارزات فقط و فقط برای اسلام بوده است نه برای "خرید" که منظور او از خرید همان کار، مسکن، رفاه اجتماعی، تا مین ما بحتاج، ارزانی و... است. بلکه خمینی وقیحانه میگوید: "مگر این انقلاب برای این بوده است که یک خانه ای بمرود بدهد؟ یک کسب و کار برای مردم ایجاد کند؟" (خرودا ۹۹ د انقلاب اسلامی)، او فراموش میکند که خود با وعده هر خان توده یک مسکن مناسبت و تا مین زندگی مرفه و انسانی توده ها را فریبده بود. او میگوید "آبا مملکت اسلام از اول ۱۵۰۰ سال قبل ایجاد شد و بیشتر از صد هزار جمعیت از آن کشته شده است و بیشتر از صد هزار معلول، آلان داریم، اینها برای چی معلول شدند، برای چی کشته شدند برای نفع من؟ است؟ برای خانه بوده است؟ برای آزادی بوده است؟" (۹۹/۸/۶۶) انقلاب اسلامی، بهر و خمینی پس از قیام و کسب قدرت، جهت حفظ ثروت، جهت پیشبرد - سیاست های ضد خلقی، جهت حمایت از سرمایه داران و زمینداران و سرکوب توده ها - رنگ عوض کرد. و پیش از صد بار این عمل را انجام داد. اما توده ها که هنوز فشار کمتر شکن گرانگی، نبود مسکن، بیگاری، فقر، - آوارگی را بشکل روز افزون تحمل میکنند، توده ها که مجبورند زندگی را ادا نموده اند، بهیچ روی به زندگی یک انسان شبیه نیست با مبارزات خود، با خیزش مجدد خود با - تا بود کردن این رژیم به خمینی و سا بر سران نشان خواهد داد که انقلاب طبقی - برای تحقق شما را استقلال، کار، مسکن، - آزادی است و پس.

انقلاب ویتنام و مجلس مؤسسان

بقیه از صفحه ۱

برای این خط سرخ، نبرد جمعا به ما زحمت کثان و ویتنام علیه سلطه و استعمار امپریالیستی و زنه سنگینی دارد. قریب نیم قرن نبرد بی وقفه برای برپائی ویتنام میسویالیست، با افت و خیزش، با دفاع و شعورهای بیباک و گیری از تمام اشکال مبارزه اش تا قطعیت پیروزی، و مجلس مؤسسان ویتنام، تنها لحظه ای است، از این روند انقلاب، که از این روند، ترسیم روند عمومی اهمیت و نقش آن درک نخواهد شد.

انقلاب ویتنام از همان آغاز زمینی سالهای پس از جنگ جهانی اول و پیروزی انقلاب سوسیالیستی اکثرترا هنگام فرآوردن مجلس مؤسسان یا کنگره خلق در ۱۶ اوت سال ۱۹۴۵، چه بسیار چرخشهای جدی را در سلسله رویدادهای مبارزه ملیسی - طبقاتی تجربه کرده است. ردیای اشغالگران امپریالیست را در ویتنام می توان در گذشته ای دور یعنی از نیمه قرن نوزدهم میلادی، زمانی که امپریالیسم فرانسه در راستای گسترش بازاریهای سرمایه داری و بهره بری از مواد خام منطقه، با اشغال ویتنام و کما مویج و لائوس که نام هندوچین فرانسه را بر آن نهاد، سراغ گرفت. هر چند که مبارزه با اشغالگران از همان بدو ورود این میهمانان ناخوانده آغاز شد، ولی تنها در پی نخستین جنگ جهانی و پیروزی نخستین انقلاب سوسیالیستی

در پیته جهانی بود که این مبارزه به جنبی توده ای تبدیل شد و توانست رسالتهای خلق ویتنام را از زنجیره امپریالیستی بدست آورد.

عصردهنی برای رهایی کشور از بند چنین مناسباتی، در این زمان، در درون توده های دهقانی و نیز در میان طبقه در حال پیدایش کارگر منطقه می بست. در آوریل سال ۱۹۳۰، ۳۰۰۰۰۰ تن از کارگران صنعت نساجی در شمال ویتنام در اعتراض به حضور امپریالیستی فرانسه و اشغال میهنشان دست به تظاهرات زدند. در اوت سال ۱۹۳۰، تظاهرات دیگری با همین هدف از سوی کارگران "ترونگ تی" ویا همیاری دهقانان برپا شد. با سرچ امپریالیستی فرانسه و بسیاری از هوای تظاهرات کنندگان بودو بجای نهادن هزاران کشته سال - ۱۹۳۰ در تارن ریخ میا رزات کارگران و زحمت کشان ویتنام، در برگیرنده رویداد تاریخی دیگری نیز بود. در این سال پیشگامان طبقه کارگر، با گرد هم آوردن محافل پراکنده کمونیستی، "حزب کمونیست هندوچین" را - که بعد ها یعنی در سال ۱۹۵۱ و در دو میسن کنگره "حزب کارگران ویتنام" را بر خود نهاد، برپا کردند. بی ادب برپائی "حزب کمونیست هندوچین"، رهبری مبارزات - توده ای بود که در آن سال ایفا دهردم - فراینده ای بخود میکرد. توده های کارگر و دهقان که از اثرات بحران جهانی سوسی سرمایه داری دهه ۱۹۳۰ بر کثرت و زحمت به شدت صدمه دیده بودند در سه نقطه "تان - چونگ"، "نام دان" و "هونگ سون" مبارزات خویش را گسترده تر میکردند. خرابکاری در بزرگ راهها که برای امپریالیستی - فرانسی حفظ شان حیاتی بود و نیز ترور سرخامان و فرمانداران فرانسی از آن

جمله بوده دامنه مبارزات اینان تا آن حد گسترش یافت که توانستند چند ماهی نیز نظام شوراها را در منطقه خویش برپا دارند. در فوریه هفتم سال، حزب، بونینا - تانجیولست ویتنام مگوک دان دانگ، حزبی که بر بنیاد "حزب خلق" در چین تشکیل شده بود، - شورشی را در پادگان نظامی "مین بای" در مرز چین برپا کرد. این شورش تا کام - توسط امپریالیستی سیمتا در هم شکسته شد و بی ابروت افتادن این حزب برای تازه سال از صحنه مبارزات خلق ویتنام بود.

سال ۱۹۳۶، شاه به روی کار آمدن - "جبهه خلق" در فرانسه بود. بی ادب ایسن قدرت یابی، در گرونی های تیز در سیاست خارجی فرانسه نسبت به مستعمرات پدید آمد. "حزب کمونیست هندوچین" با بهره گیری از این شرایط، به منظور جنبش به توش و توان تمامی نیروهای که در سنجی امپریالیسم فرانسه بودند، جبهه ای را با نام جبهه دمکراتیک برپا کردند. این جبهه به منظور ارا تبه برنام عمل مبارزه - برای رهایی از بند امپریالیسم، نخستین فرخوان خود را در ماه مه ۱۹۳۶، بر ایسر پائی کنگره ای با نام "هندوچین" صادر کرد. در ماه نوامبر همان سال، ۲۰۰۰۰۰ تن از - کارگران صنعت بافندگی در شمال ویتنام دست با عصا زدند. در سال ۱۹۳۷، - مبارزات کارگران ایسادی گسترده تر می یافت، صنوعی که دولت فرانسه املزم به تجدید نظر در پاره ای از قوانین کاری کرد. از این جمله بود تقلیل ساعات کار روزانه به هشت ساعت و نیز برخورداری از حقوق برپائی انجمن ها و سازمانهای صنفی.

ناشره دومین جنگ جهانی، که با حمله فاشیست های آلمانی در اول سپتامبر سال ۱۹۳۹ به لهستان آغاز شد، با اشغال فرانسه توسط نازی ها و سقوط دولت "جبهه خلقی" فرانسه را بدنبال داشت. در ۲۵ سپتامبر ۱۹۳۹ حکومت ارتجاعی و دست نشانده دالادیه فرانسه، با نایب اعلام حلال "حزب کمونیست"، احزاب کمونیست تمامی مستعمره های فرانسه و نیز با زدا شست اعضایشان را مادر کرد. بی ادب چنین فعل و انفعالاتی، اعمال سیاست های ترور و وحشت از سوی کارگزاران امپریالیسم فرانسه در ویتنام و نیز با اعمال کردن حقوقی بود که کارگران و زحمت کشان ویتنام در طول چندین سال مبارزه یکف آورده بودند. بیش از هزار نفر از اعضای "حزب کمونیست هندوچین" توقیف شده و به جوخه تیرباران سپرده شدند که در میان آنها میتوان از رفیق تزان فو، دبیر کل حزب نام برد. سازمانها و انجمنهای دمکراتیک مورد هجوم سیمتا به مزدوران فرانسی قرار گرفتند. سازش امپریالیستی آلمان و ژاپن، با همیاری عمل فرانسیوشان، "کارترو" در ویتنام، این کشور را به بیهنه تاخت و تاز امپریالیستی های ژاپنی تبدیل کرد. چپ اول مواد خام طبیعی توسط امپریالیست ها، هر چه بیشتر میشد، بزم امپریالیستی، تا میکانکات با بد در خدمت منافع جنبش، تا میکانکات افتاد. در طول نخستین هشت ماه سال ۱۹۴۰، این هندوچین بود که ۳۷/۹۵۵ تن مواد -

خام را به کشتی به مقصد متروپول ها با رزد (در قیاس با ۱۵/۰۹۲ تن در همین زمان از سال پیش)، البته تا راجوا دخا مطبوعی، تمام می آنچه نبود که امپریالیست ها برای بکار انداختن ماشین جنگی شان بدان نیاز داشتند. در همین زمان بیش از ۸۰۰۰۰ تن از جوانان هندوچینی برای گرداندن ابزار جنگی و میسنا به گوشت دم توب را می فرانسه شدند. "مطلب ساده بود، سرمایه خون می خواست!"

"حزب کمونیست هندوچین" با ارزیابی شرایط حاکم بر کشور، چشم انداز دورانی نوین از جنگ و انقلاب را ترسیم نمود. در این چشم انداز وظیفه عاجل، همانا گسترش جبهه های نبرد مسلحانه با امپریالیستی های ژاپنی و فرانسی، با هدف سرنگونی سلاطین دولت و کسب استقلال، شمرده شد. در راستای جنبش برنام مبارزاتی ام، در ماه مه ۱۹۴۱، "جبهه استقلال ویتنام" با آنچه که به اختصار "ویت مینه" نام گرفت برپا شد. با در نظر داشت چنین هدفی، "ویت مینه" به تشکیل واحدهای پارتنیسی تبلیغ مسلحانه، همت گماشت. و نیز در مسلحانه را برای برپائی مناطق آزاد شده در شمال، مرکز و جنوب ویتنام، گسترش داد. بر اساس چنین استراتژی می بود که در - "کاتو - باک - لانگ" (شمال ویتنام)، با تو (مرکز ویتنام) و جلگه های ری دیز (جنوب ویتنام)، مناطق آزاد دنده، برپا شدند.

نبرد مقاومت در طول این سالها هم چنان گسترش می یافت. در تابستان سال ۱۹۴۴ کمیته مرکزی "حزب کمونیست هندوچین" در صدد فرآوردن یک قیام عمومی بر سر آمد. اما با زکشت خون مین از چین به میهن، و ارزیابی گامها و شرایط جهانی و منطقه ای داشت، سبب به تعویق انداختن این فرخوان شد. هوشی مین برای باور بود که زمان برای فرآوردن قیام عمومی هنوز مناسب نیست و موضوع برپائی هر چه گسترده تر واحدهای تبلیغ مسلحانه و آزادی بخش، با هدفی دوگانه - سیاسی و نظامی - را پیش کشید. نخستین واحدهای زسلطه چینیسن واحدهای در ۲۲ دسامبر ۱۹۴۴، با ۳۴ کارگر در دره "دینته کا" برپا شد و در روز بعد توانست، دوپادگان نظامی فرانسی ها را در مرز - ویتنام - چین از میان بردارد.

تا توانی امپریالیسم فرانسه در رویا روشی با جنبش مردم فراینده خلق ویتنام، امپریالیسم ژاپن را بر آن داشت تا خود یک تنه و عربان و مستقیم به مقابل با جنبش بر خیزد، بپوش تا گهانی امپریالیسم ژاپن به کارگزاران مستعمراتی فرانسیان در ویتنام و تصرف این دستگاه، هر چه زیر پوشش عوام فریبه "آسیابری آسایشا" صورت گرفت، اما در تسریع شکل گیری عصردهنی زحمت کشان ویتنام نسبت به شکست پذیری امپریالیسم فرانسه، موثر افتاد.

"جبهه استقلال ویتنام (ویت مینه)"، بدنبال بپوش امپریالیسم ژاپن در تسخیر قدرت فرانسیان در مارس ۱۹۴۵، مجمع نظامی را فرآخواند و در آن بارای به اتحاد تمامی سازمانهای نظامی، ستاد ارتش ویتنام شمالی را تشکیل داد و برنام

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر بیشتر از مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران

بقیه در صفحه ۱۴

انقلاب ویتنام و مجلس ...

بقیه از صفحه ۱۳

تدارک قیامی عمومی را بی ریخت، زاین جمله بود: مجازات خائنین به خلق، - سخنرانی در گرد هم آبی ها بی در "هانوی" و "هونگین"، انجام شایخون ها بی به انبار های برنج که زیر کنترل ژاپنی بود توزیع آن میان شهیدستان شهری، حملات مسلحانه به یادگانهای نظامی ژاپنی و مادره - سلاح ریست های نظامی اشغالگران ژاپنی. این گونه حرکات خود به داده بود "ویت مینه" در میان زحمتکشان شهر و روستا، - یاری می نمود.

در اوت ۱۹۴۵ با تسلیم نیروهای امپریالیستی ژاپن در برابر مستقیقین، جنگ دوم جهانی، پایان گرفت. شکست فاشیت های آلمانی و ژاپنی در این جنگ، برای انقلابیون ویتنام، شرایط را بیشتر آریزین در راستای سربدی قطعی برای رها بی از سلطه امپریالیسم، فراهم کرد. "حزب کمونیست هندوچین" و "جامعه استقلال ویتنام" (ویت مینه)، فراخوان قیامی عمومی را اعلام کردند. در نتیجه دو ماه اوت سال ۱۹۴۵، قیامی بی پیروز منتهی در سراسر ویتنام آغاز شد. و این قیام خود به سنگ پایه ای برای استقرار جمهوری دمکراتیک ویتنام تبدیل شد.

در فاصله دو اده روز، یعنی از ۱۴ تا ۲۵ اوت سال ۱۹۴۵، قیام توده ای، تمام می پهنه کشور و سبزه مناطقی شمالی و مرکزی ویتنام را در بروردید. شهرها یکی پس از دیگری به تصرف نیروهای انقلاب درآمدند و سبوق - ستاره طلائی جمهوری دمکراتیک ویتنام بر فراز آنها به اهتزاز درآمد. در راستای همین دو اده روز، نخستین مجمع ملی یا مجلس موسسان که ویتنامی ها تا کنون نگرفته خلق بر آن نهادند در "هانان" تشکیل شد. هم زمانی فراخوان این مجلس با گسترش قیام توده ای، شما با نگردیدن راستین رفقای - ویتنامی از افرات انقلابی بود که در آن سبومی بود. مجلس موسسانی با ۶۰ نماینده که از طریق انتخابات عمومی و بیارای - همگانی برگزیده شده بودند. این مجلس در کنار خود دیگر نه ارتش مستعمراتیستی فرانسه و ژاپن، که جوخه های سرخ تبلیغ مسلحانه و واحدهای ارتش رها بی بخش را جای می داد. این مجلس به مکمل بوروکراتیک کهن مستعمراتی، که کمیته های محلی "ویت مینه" در هر شهر و روستا بود.

ترکیب عمده مردان این مجلس چنین بود: نمایندگان آزومی تمام احزاب سیاسی، از جمله حزب بورژوازی (ویتنام کموک دان) - دانگ (که هم سنگ حزب کمومین دان) - چیسین بود). سازمانهای توده ای، انجمنهای - اقلیتهای قومی و مذهبی، رفقای کمونیست ویتنامی نه تنها برای شرکت نمایندگان - "ویتنام کموک دان" دانگ، محدودیتی قائل نشدند و موضعی بر این سباق اشنا نکردند، بلکه از شرکت چنین حزبی، در چنین نهادی استقبال نیز نمودند، چرا که برپا و رآنان: نخست اینکه این کنگره خلق یا مجلس موسسان نه نهادی متعلق به آینده، - متعلق به کارگران و زحمتکشان، یعنی نیروی و یورای اینها، بلکه به زاناب - تنها سب نیروی جامعه بورژوازی بود. اما حمایت از آزادی احزاب غیر پرولتری برای فعالیت سیاسی و شرکت در نهاد بورژوازی نیز، امری جزئی نیست. این کشاکش انقلاب و ضد انقلاب، این فعل و انفعالات روند انقلابی، این کیفیت ذهنیت انقلابی توده ها است که بر رآنان را به اشغال موضعی در نفی آزادی سب با بهمان حزب غیر

پرولتری برای فعالیت سیاسی و شرکت در مجلس موسسان بهمان به، عالیترین نهاد دمکراتیک بورژوازی میکشاند. لنین در - جریانی فراخوانی مجلس موسسان، پس از پیروزی انقلاب کمپراکتبر، رای به عدم شرکت نمایندگان کورنیلیف و کادتها در انتخابات مجلس موسسان داد، چرا که او را این دو جریان، بگونه ای غریب و مسلحانه در برابر انقلاب صف آرایی کرده بودند و مستقیماً "شماره بلاوا سب سرنگونی خوراها را سب میدادند، شما تانیا" توده های کشی - کارگران و دهقانانی که در ماجرای ورت شهرهای بزرگ می زیستند و همین طور شهیدستان - شهری، در تجربه مستقیم خویش، به ما هبت ضد انقلابی چنین جریانی در فاصله هت ماه، بین دو انقلاب فوریه و اکتبر ۱۹۰۷ پی برده بودند. موضع لنین هر چند حتی بین پاره ای از رهبران بلشویکیها به سبخره گرفته شد، اما روند تکومینیستی انقلاب بهترین مؤید رستی اتحاد - چنین موضعی بود.

بهره و، مجلس موسسان ویتنام، بسا چنین ترکیبی از عناصر شرکت کننده، بسا حضور نمایندگان کارگران و دهقانان - از سوی "حزب کمونیست هندوچین" و "جبهه ویت مینه"، تشکیل شد. "ویت مینه" با ارائه پلاتفرم مبارزه خود، تحت عنوان "خط مشی ویا فشاری بر تصویب ایمن پلاتفرم مدی کنگره ها سر شده بود. کنگره ضمن تأیید فراخوان "حزب کمونیست هندوچین" در زمینه برپایی قیام عمومی توده ای، - پلاتفرم ارائه شده از سوی "ویت مینه" را تصویب کرد. موارد تصویب شده این پلاتفرم عبارت بودند از:

- ۱- کسب قدرت و استقرار جمهوری دمکراتیک ویتنام بر اساس استقلال کامل
- ۲- تسلیم مردم ویتنامی ارتش آزادی بخش - ملی
- ۳- ممانعت از مالکیت تجار و کارخان خارجی و خائنان و تبدیل آن به مالکیت دولتی یا توزیع آن در میان شهیدستان
- ۴- افرای تمام مالیات های تحمیلی فرانسی و ژاپنی ها و برقراری مالیاتی عادلانه و سبک
- ۵- ترویج حقوق دمکراتیک الف) حقوق انسانی ب) حق مالکیت ج) حقوق شهروندان: حق رای همگانی، آزادیهای دمکراتیک (کیش، اندیشه، عقیده، انجمن، نهضت)، تساوی میان ملیت های مختلف و میان زنان و مردان
- ۶- توزیع مجدد اراضی عمومی بر اساس - عادلانه، گاهش اجاره زمین و سرخسبیره حکم بر سهلت قانونی بدهی ها و بیجا دکارو مشاغل.
- ۷- اعلام قانون کار: هشت ساعت کار روزانه، تثبیت حداقل دستمزدها و نیز برقراری از بیمه اجتماعی.
- ۸- بنیاد دایمی اقتصاد ملی، توسعه کشاورزی، بنیاد بانک ملی.
- ۹- برپایی نظام آموزش عمومی، مبارزه با بی سوادگی، اجرای آموزش ابتدائی اجباری، ایجاد فرهنگ نویی.
- ۱۰- برقراری روابط دوستانه با متحدان و کشورهای روبرو، بسا این نیت که هم دردی و حمایت آنان برانگیخته شود. کنگره در پایان کار خود، در اجرای - انتخاب دولت موقت انقلابی، کمیته آزادی بخش ملی ویتنام را برای کفالت ایمن مسئولیت برگزید.
- انقلاب زحمتکشان ویتنام برای برپایی ویتنامی عاری از فقر و نکبت، ویتنامی آزاد، ویتنامی بی سوسیالیست، در اوت - ۱۹۴۵ اینان نمی پذیرد. این انقلاب، هم چنانکه از اهداف و نهاد های بورژوا - دمکراتیک فراتر می رود، دوران جدیدی در تاریخ ویتنام می کشاید، هم چنان که انقلاب جهانی را به پیش می برد.

اقتباس

به زبانهای فرانسه و انگلیسی

دا نشجویان مبارزه و هواداران زمان در اروپا و آمریکا ضمن فعالیتها و فتا - گرانه و دفاع از مبارزات خلقهای قهرمان ایران و زینان سیاسی، به تبلیغ و ترویج نقطه نظرات سیاسی - ایدئولوژیک سازمان در سطح بین المللی کوششهای - ارزنده ای بعمل آورده اند. از جمله این فعالیتها انتشاراتی، انتشار نشریات "کار" زبانهای انگلیسی و فرانسه است. در فراستهای دانشجویان هواداران سازمان از اوایل سال ۵۹ (قبل از اشغال) اقدام به انتشار نشریه ای نام "کار" نمودند که بهجریک تاریخچه کوتاهی از سازمان که پشت جلد هر شماره چاپ میشود و از خودشان است - "کار" حاوی منتخبی از مقالات منتشره در نشریه "کار" ارگان سازمان ما می باشد. تاکنون شش شماره از این نشریه که بزبان فرانسه است بدست ما رسیده است. (شماره ۵ مربوط به خرداد - تیر است) شماره ۵ این نشریه تماماً به "تئوری کوتاه جنبش کارگری ایران طی دو سال گذشته" اختصاص یافته که ترجمه سلسله مقالاتی است که در زمستان سال گذشته در "کار" چاپ رسیده بود. بنظر ما این اقدام ابتکار رجالیستی است و نیروهای مترقی جهان را با جنبش کارگری ایران آشنا می سازد. هم چنین در آمریکا (با درس آرنلینگتن) از سال گذشته توسط هواداران سازمان، نشریه "کار بین المللی" KAR INTERNATIONAL

KAR INTERNATIONAL
Monthly Selected Works of the Organization
of Iranian People's Fedal Guerillas (OIPFG)

travail (travail)
Mouvement Ouvrier
1910-1960

منتشر میشود که تاکنون ۵ شماره آن بدست ما رسیده است. این نشریه نیز حاوی منتخبی از ترجمه مقالات نشریه "کار" ارگان سازمان می باشد. طبق گزارش رسیده، هر دو نشریه بسا استقبال فوق العاده نیروهای مترقی و انقلابی در سطح اروپا و آمریکا (فرا سوی زبان و انگلیسی زبان) روبرو شده است. ما کوشش رفقای هواداران انتشار نشریات فوق می ستایم و موفقیت رفقای در انتشار منظم و دقیق این نشریات آرزو مندیم.

در تکثیر و توزیع آثار سازمان بکوشید

حزب چریکهای فدائی خلق ایران

منابع بزرگ را در پیش گرفت تا با دولتی کردن سرمایه، تقدس مالکیت را از ضربات مبارزان علیه سرمایه حفظ کند.

اکنون در عوض مسئله سرمایه های غیرمولد و انگلی پیشین که در معاملات - زمین حرکت می کردند، حوزه نویسی برای گردش سرمایه انگلی گشوده شده است: بخش تجارت به در شرایطی که امکانات فنی تولید داخلی محدود است و در عین حال مبارزه - طبقا تی هر چند بر آورنده مان نمی دهد - تا نظم مطلوب سرمایه با داری مستقر شود، نه تنها سرمایه های انگلی پیشین، که بخشی از سرمایه های مولد نیز به سمت تجارت - رفته اند تا از طریق وارد کردن مستقیم کالا از خارج و دست به دست کردن کالاهای وارداتی و داخلی، سود فراوان و بی درد سرمایه جیب بزنند. بدین ترتیب آنچه که لواطی از قبیل ملی کردن تجاری، ملی کردن بانکها و لغو مالکیت اراضی شهری می خواست بر سر آمده، در اثر ترکیبی از عوامل مختلف که در میان آنها مبارزه طبقا تی تعیین کننده است، به نفع می شود.

از آنجا که هم در لایحه شورای انقلاب و هم در مقدمه "قانون اراضی شهری" اخیر اشاره ای به مسئله مسکن می شود و حتی وانمود می شده که این لایحه مشکل مسکن را تا حد زیادی حل خواهد کرد، خوب است به مسئله مسکن نیز اشاره ای داشته باشیم.

ظرف دو سال که از اجرای این لایحه می گذرد، مسئله مسکن از پیش بیفرختر شده، اگرچه قیمت زمین تعدیل شده، اما افزایش سرمایه و ورطه های مصالح مسکن را - کارگران ساختمانی، تا مین مسکن را - برای افراد زحمتکش مشکلتر کرده، به یونگی عموم تدا بیرون راننده های حکومتی برای حل مسئله مسکن شکار شده، جنگ و آوارگی - میسیونهای ان زهموطنان مان نیز بر ایام مسئله مسکن بیشتر افزوده است. علاوه بر این با ایداع مال مهاجرت از ده به شهر که حتی "بر بیعترا ز پیش افزایش یافته است و تجلی آن در آذربایجان ۸ - ۷ میلیون - نفری می بینیم، با دشمنی، بطور خلاصه با بد گفت مسئله مسکن در ظل توجهات حکومت - اسلامی، همچون آنچه مسائل دیگر، لاینحل ترا پیش شده است، می گوئیم لاینحل زیسرا به قول انگلس در مقام "مسئله مسکن" این مسئله از حیث سرمایه داری است که با هر امر ملانندما بر چیزها به صورت یک کالای لایزال و رده و آن را موضوع سودجویی قرار داده و تا این نظام مبادیجاست، مسئله مسکن نیز وجود خواهد داشت.

لیکن در اینجا تذکر یک نکته ضروری است: بیسرا آنچه گفتیم "لایحه اراضی شهری"، اساسا "در جهت اجرای رفرمیهای بورژوازی تنظیم و اجرا می شود. آیا این امر به معنای آنست که با ایداع آن - مخالفت کرد؟ بدون شک تحقق این لایحه نه از آن رو که گویا ساله مسکن را حل می کند، بلکه از همان جهت که می گوشت (هر چند در شرایط کنونی به عین وجهی از به اصطلاح رادیکال لیسم بورژوازی را متحقق سازد، گاهی به پیش است. اما در عرصه، عسری که خود بورژوازی، انقلابیهای آن و رفرمیهای آن، متسوخ شده و در اوضاعی که نیروهای پیشین با نظر فیت تاریخی بس گرانتر می توانند با تحولات ژرف و زیر پرور گشته - اجتماعا عیوبا تحقق انقلابهای اجتماعا، عی ریشه واقعی مسائل حوام طبقا تی را از بیخ بردارند، "اگر به پیش "اروا قیام ر تحقق پیدا نمی کند، این حقیقت را شکست عملی لایحه شورای انقلاب در جهت لغو، مالکیت اراضی شهری و تحقق اهداف خود به خوبی اثبات می کند.

قانون اراضی شهری

نوشته های سردار

مقدار بزرگ سرمایه

بورژوازی (گردی نشینند، اما سوسیال - رفرمیست ها وطنی که نه از آن سابقه خیر داشته و نه از ضرورت های تنظیم مجدد چرخ های مختل سرمایه در ایران اطلاع داشته اند، گمان کردند که سلب مالکیت برای اراضی موات و سایر، مقدمه ای است برای سلب مالکیت کلی و به انواع و اقسام اظهار خشودی کردند.

مسئله دیگری که مورد توجه مسئولان دولت موقت بود، این بود که با توجه به کسبخته شدن شرایط تولید بزرگ و کوچک سرمایه به داران بزرگ و ضرورت "مشارکت و جلیت" بخشی از سرمایه های متوسط و کوچک، لغو مالکیت اراضی شهری موجب شد که سرمایه ها متوجه بخش تولید شوند و کم و کاستی های ناشی از در هم پاشیدگی اقتصادی را جبران کنند، بورژوازی - رفرمیست خوابهای طلایی می دید: هم تولید سرمایه به داری سرمایه می افتد و هم مشارکت و رضایت بورژوازی متوسط و کوچک تا مین می شود و هم دعای خیر مستضعفان بدرقه راه می شود.

اکنون بیش از دو سال از اجرای این طرح می گذرد و عملکرد قانون با اصطلاح انقلابی لغو مالکیت زمین های شهری را بهر رو بیشتر در بر تو و قضایات می توان تشخیص داد. اکنون صرف نظر از مبلغ - با لنسها اندک که صرف خرید و فروش (تقریبا غیر قانونی) اراضی شهری می شود، بطور کلی معاملات زمین منسوخ است. اما نه سرمایه های آزاد شده از قید معاملات انگلی به سوی تولید رفته اند و نه چرخی تولید سرمایه به داری سرمایه افتاده است و ضدا لنسها مسئله مسکن برای توده های زحمتکش نیز با هیچ چشم اندازی از حل شدن روبرو نیست. چرا چنین شده؟ کدام عامل سد راه تحقق این اوها مبورژوازی شده است؟

پاسخ این سؤال را باید در مفهوم و مصادیق گسترده مبارزه طبقا تی جستجو کرد. این مبارزه طبقا تی توده های زحمت کشان، کارگران و دهقانان بود که مانع از تشکیل شرایط مساعد برای اجرای رفرم های مورد نظر بورژوازی شد. در یک کلام - "امنیت" سرمایه ها پیش از پیش به خطر افتاد. هر جا تجمع و تمرکز سرمایه به بود، موضوع مبارزه غریزی توده های قرار گرفت که نه به خاطر اسلام، بلکه به خاطر نظام سرمایه داری بزرگ، علیه نظم سیاسی پیشین می پیوسته است. از این رو، "فرماندهای بازرگان، مولوی، سزیه و دیگران، سرمایه های بزرگ با زحمتکش، امنیت سرمایه داری را توسط کوچک علی العموم تا مین بردارند. در یک کلام کشتن میان انقلاب و ضدا انقلاب مانع از استقرار مجدد وضعی سرمایه داری می شده و بدین گونه بود که دولت موقت "انقلاب" با وقوف بر این مسئله، راه "ملی کردن"

قانون اراضی شهری توسط مجلس به تصویب رسید. به خاطر این که یکی از نخستین لوا یحی که توسط شورای باصلاح انقلاب به تصویب رسید و هم اکنون نیز مورد اجراء است، قانون ملی کردن سلب مالکیت اراضی شهری بود. طبق مفاد این لایحه قانونی به طور خلاصه در شهرهای کشاورز مالکیت بر اراضی ما از دیربزه ۱۰ متر مطلق می گردد و ما ز ادیه دولت واگذار می شود. بنا بر طرح مصوب شورای انقلاب بود که معاملات اراضی شهری از پیش از دو سال پیش معوق مانده بود. یکی از دلایلی که شورای انقلاب برای تدوین و اجرای این طرح به میان کشید، این بود که قیمت زمین یکی از اقلام مهم قیمت مسکن را تشکیل می دهد و با حذف قیمت زمین موات و بی اراضی بخش از هزینه مسکن حذف می شود و گامی در جهت تا مین مسکن مردم برداشته می شود. ذکر این دلیل در میان هیاهوی کسانسی چون آیت الله خروشااهی که وعده می دادند تا زمستان آینده (زمستان ۵۸) هیچکس بدون خانه نخواهد ماند، موجی از امید و آرزوهای خرده بورژوازی را در دل توده های زحمتکش برانگیخته بود.

اما صرف نظر از این وعده ها و آرزوهای ارمان آغا با توجه به سیر عملکرد حکومت روشن بود که هدف اساسی از طرح این لایحه چیز دیگری است. مسئله این بود که بویزه در دهه آخر حکومت شاهنشاهی، با تنگ شدن عرصه سرمایه های کوچک و بزرگ - تنگ شدن سرمایه های متوسط، شدت گرفتن ابعاد مسئله مسکن و ... بخش عظیمی از سرمایه های خرده کارهای در عرصه تولید سرمایه - داری نمی یافتند، متوجه معاملات احتکاری مسکن و زمین شدند، مجزای دولت سرمایه داری دوران شاهنشاهی از حل مسئله مسکن، معاملات زمین و مسکن را یکی از سودآورترین بخش های اقتصادی کرده بود و خود - عاملی بود که سرمایه های متوجه تولید را نیز به سمت معاملات صوری جلب می کرد. این شرایط، تعادل میان بخش های مختلف سرمایه را از میان بر می داشت و حرکت عمومی سرمایه را مختل می کرد. حتی زمامداران دولت شاهنشاهی نیز به انوارا قسام شیوه ها متوسط می شدند تا از این گونه معاملات بگاوند. زیرا علاوه بر همه چیزها، هزینه مسکن روز بروز باری طاقت فرما بردوش مردم می شوی و ساری کاستن از این بار را از میان بردن زمینه های گشوده تا رضایی لازم بود. اقدامی صورت گیرد. به یاد داریم که از اواسط دهه ۵۰ مردم از این سخن می گفتند که با بدعلاجات اراضی "اصلاحات مسکن" صورت گیرد و ظاهرا "بعضی بورژوا - رفرمیست های مدیرانیزه و ادارا این فکر سر بودند.

در چنین اوضاعی حوالی بود که دولت موقت "انقلاب" را موریت یافت و گره های کور سرمایه داری از حرکت مانده ایران را بگشا بدولت مالکیت اراضی شهری یکی از اقدامات این دولت بود. این اقدام همچنین، تلاشی بود در جهت تحقق روح رادیکال لیسم بورژوازی. می دانیم که بورژوازی رادیکال در دوران کلاسیک سرمایه داری اعتقاد داشت که مالکیت بر زمین و منجمله زمین برای مسکن، باید لغو گردد و بر این مالکیت نوعی اجتماعا راست که از راه کار و تولید فراهم نیاید، به او را بیبر و موج نیست. می توان و با بدمالکیت های غیر موج ("تاشروع") را حذف کرد تا بر دامن کسریای مالکیت خصوصی مشروع (مالکیت های بزرگ و کوچک صنعتی و غیره - مالکیت های واقعی -

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند



نتیجه کنفرانس اخیر اوپک

پیروزی برای آرامکو شکست برای همه

بنا به درخواست نیجریه، کشورهای عضو اوپک (و نیز اوپلا، اما رات متحده عربی، عربستان، اکوادور، الجزایر، عراق، ایران، اندونزی، کابون، کویت، قطر، لیبی، و نیجریه) موافقت نمودند تا در تاریخ ۲۸ مرداد طی یک اجلاس ویژه در ژنو گرد هم آیند و در خصوص چگونگی کاهش ما زاد نفت در سطح بین المللی به بحث پردازند.

این ما زاد که رقمی حدود ۲ میلیون بشکه در روز است، بعلاوه تولید بیش از حد عربستان سعودی به وجود آمده و موجب گشته که بسیاری از کشورهای تولیدکننده با کمبود مشتری مواجه شوند و اجباراً با از میزان تولید بیکاهندوبی برای خریداران تخفیف های فراوان قائل گردند. اما با این همه عربستان با استخراج ۱۵/۵ میلیون بشکه در روز، با دامن زدن به اشاع بازار نفت با تمام توان در جهت اجرای سیاست کارتل های نفتی امریکائی گام برمیدارد. هدف عربستان از اشاع بازار، به تسلیم وادار نمودن دیگر اعضای اوپک در مقابل خط مشی خویش و از آنجمله تنزل و سپس تثبیت قیمت نفت در حدود ۳۴ دلار در هر بشکه و همچنین با اجراء آوردن طرح استراتژی قیمت گذاری است.

در کنفرانس اخیر اوپک بحث عمدتاً حول مسئله نخست یعنی تعیین میزان برای هر بشکه و همچنین سطح تولید برای کشورهای عضو، اکثر اعضا بر این عقیده بودند که طبق مصوبات کنفرانس بآلی قیمت با به نفت باید همچنان ۳۶ دلار برای هر بشکه باقی بماند و برای جلوگیری از سقوط خود بخودی قیمت، عربستان موظف است از میزان تولید نفت خویش به میزان اضافه عرضه موجود، بکاهد. عربستان، اما رات متحده و اندونزی نیز متقلاً بلا هرگونه کاهش تولید را منوط به پذیرش تثبیت بهای نفت به روی ۳۴ دلار در هر بشکه می نمودند. هما نگونه که در پیش گفتیم، سمت و سوی حرکت عربستان خدمت بی قید و شرط به کارتل های نفتی امریکائی است. اما کودکانه خواهد بود هرگاه ادعا شود کلیه کشورهای که در مقابل عربستان به صف آرائی پرداخته اند در جرگه نیروهای متفرق قرار میگیرند.

مسلم است که معیار برای ارتجاعی و یا متفرقی ارزیابی نمودن کشورهای عضو اوپک نه صرفاً "موضعگیری آنان در رابطه با موافقت و یا مخالفت آن کشورها با کاهش و یا افزایش قیمت نفت، بلکه

بیشتر و بیشتر عطف توجه به این نکته است که محتوای موافقت و یا مخالفت چیست و در خدمت به کدام اهداف صورت میگیرد. چه در غیر این صورت محتمل است که همانگونه که در سال ۵۲ میلادی شاه و همپالکی هایش در منطقه برای افزایش بهای نفت بسیاری راه شگفتی واداشت تا جایی که اوپک را کارتلی "ضدامپریالیست" نامیدند، این بار نیز برای برخاستن تاریخ بشکل مسخره اش تکرار میشود. لذا مطلب را کمی بشکا قیما!

در میان کشورهای که در چهار چوب اوپک با کاهش قیمت نفت بگونه ای بسر بسته به مخالفت پرداختند، میتوان از کشورهای و نیز اوپلا، ایران، کویت، عراق، لیبی و الجزایر نام برد. حتی نیجریه نیز در آغاز از سرخترین اعضای مخالف با کاهش قیمت بود که فقط با لاجبار تنزل به سازش داد! در خارج از چهار چوب اوپک نیز برخی از نیروها در مخالفت با کاهش بهای نفت لب به اعتراض گشودند که قابل توجه ترین آن از جانب دو کمپانی معروف انگلیسی بریتیش پترولیوم و ایل (b.p) وشل ابراز گردید.

چنانکه پیداست نیروهای مخالف با خط مشی عربستان را طبیعی ناهمگن تشکیل میدهد که سوی آن برخی از کمپانی های نفتی و در سوی دیگر کشورهای همچون الجزایر و لیبی قرار دارند. آنچه که در سطح مشهود بوده و هست وجه مشترک کلیه نیروهای این طیف را تشکیل میدهد تلاش همه جانبه برای جلوگیری از کاهش بهای نفت بوده و میباید، اما آنچه که در

پس این شکل رخ می نماید، اهداف و نیات مختلف جهت و گاه به غایت ارتجاعی و همردیف با اهداف عربستان است.

بعنوان مثال دو کمپانی نفتی b.p و شل که هر دو از سهامداران عمده نفت دریای شمال (در انگلستان) نیز میباشند بعلاوه اشاع با زار نفت توسط عربستان و در نتیجه کاهش قیمت ها، دچار زیانان فراوان شده و اجباراً "بهای نفت خام شیرین و کم سولفور دریای شمال را که همردیف با نفت شمال آفریقا است تنها طی دو ماه گذشته به میزان ۳ دلار در هر بشکه تنزل داده اند و در خرداد ۵۳ قیمت ۳۵/۵ دلار به بازار عرضه نمودند. برای دو کمپانی فوق الذکر این تنها یک جنبه قضیه است چرا که این دو علاوه بر شرکت مستقیم در استخراج، تصفیه و فروش نفت دریای شمال، در سطح بین المللی نیز خرید های نفتی عظیمی نیز می نمودند که اکنون به دلیل اشاع بازار برتری رقباتی خویش، اجباراً از میزان آن کاسته و از سود های بسیاری چشم پوشیده اند. از همین رو بسیاری طبیعی بودند که هم انگلستان و هم کمپانی های بین المللی نفتی همچون ایندو که از اشاع بازار نیزین فراوان می بینند، با تولید بیش از حد عربستان، کاهش قیمت و اشاع با زار به مخالفت برخیزند و اعمال عربستان را نکوهش کنند.

بقیه در صفحه ۱۸

ارزیابی وضعیت کنونی

بقیه از صفحه ۴

امروز کمتر کسی را می توان یافت که در این امر تردید داشته باشد که رژیم جمهوری اسلامی در سراسر سرنوشتی سیر میکند. تسخیر تمام اهرم های قدرت سیاسی و سلطه بلامنازع حزب جمهوری اسلامی بر تمام نهادها و ارگانها دلیل قدرت گرفتن و تثبیت رژیم موجود نیست. حزب جمهوری اسلامی با تسخیر هر موضع جدیدی که مابین سرنوشتی پیش رفتهاست، حزب جمهوری اسلامی میبایستی تمام مواضع قدرت را تسخیر کند، تا کمال ناتوانی خود را بنمایش بگذارد و زمینه سقوط قطعی خویش را فراهم سازد.

وضعیت حزب جمهوری اسلامی در لحظه کنونی همانند یک فرمانده ارتشی است که بدون توانائی لازم مواضع وسیعی را تسخیر کرده است. اما نه تنها قادر نیست آنچه را که تسخیر نموده حفظ کند و مستحکم سازد، بلکه با این اقدام زمینه نابودی خویش را با دست خود فراهم نموده است و اکنون در حالیکه در منتهای ضعف و ناتوانی را از هر سو در محاصره انبوهی از دشمنان یافته است، از این رو برای نجات خود با آب و آتش میزند، بهر جا وقت و جناحی متولم می شود تا این طلقه محاصره را درهم بشکند، اما با این تلاشها مدام نیروهای بیشتری را از دست میدهد، مدام تضعیف میشود و پیروسته تا بودی خود را تسریع میکند. اکنون دیگر سخن بر سر ماندن یا تثبیت این رژیم نیست. سخن بر سر این است که چکمی جایگزین آن خواهد شد.

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر پیشتاز مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران

نتیجه کنفرانس اخیر اوپک

بقیه از صفحه ۱۷

و با مثلاً کشورهای همچون ونزوئلا و کویت که در خدمت مردمی بودن رژیمهایشان کوچکترین شکی نیست، نیز با طرح دلایل همچون عدم نیاز به ارزش خارجی، نزدیک به بی‌ارزهای نفتی گشته و با وفور مشتری و خلاصه عدم نیاز به کاهش قیمت با عربستان به مخالفت پرداختند.

اما در این کنفرانس علاوه بر وجود کاشک‌های مرسوم بین کشورهای حامی کارتلتها، دسته‌بندی‌های امپریالیستی و با کشورهای مترقی، دسته‌ای خاص رخ نمود که مشکل عمده‌اش کمبود ارزهای معتبر خارجی بود. گرچه هر یک این مطالب را به شیوه خاصی خویش بیان میکرد، لیک وجه مشترک یکی بود. سه کشور نیجریه، ایران و عراق اعضای اصلی این دسته خاص را تشکیل میدادند.

نیجریه طی سالهای گذشته پیوسته از جمله کشورهای بود که با کاهش قیمت نفت مخالفت می‌ورزید. اما پس از آنکه بعثت اشباع بازاری و کمبود مشتری مجبور به کاهش تنیمی از تولید خود شد و همچنین نفت مرغوب خویش را که در اوائل سال پیش بقیمت ۴۳ دلار بفروخت، در سال جاری در بازار آزاد (اسپات) اجاراً به قیمت ۳۴ دلار عرضه کرد، با کمبود ذخیره ارزی و نهایتاً "برهم خوردن تعادل مبادلات بازرگانی خویش روبه‌رو گشت و از همین رونق‌های اجلاس فوق‌العاده نمود تا شاید عربستان را متقاعد کند که کاهش تولید نماید. لیک هنگامیکه موضوع عربستان را بسیار سرسختانه یافت خود را مجبور دید جهت خروج از بن بست، گرچه با آکراه تن به سازش دهد و بطور رسمی کاهش قیمت را بپذیرد، چرا که در این صورت عربستان متعهد میگشت میزان تولید خویش را کاهش دهد و لذا مشتریانی بیشتری برای نفت نیجریه باقی میماند. بطبعاً "نیجریه نیز با افزایش تولید خویش به میزان سال پیش، ارزش مورد نیاز را جذب می‌نمود.

و این امکان افزایش تولید همان موهبتی بود که کشورهای ایران و عراق بدلیل وجود جنگ از آن بی‌بهره‌اند، لذا طبیعی بود که این دو کشور به نسبت میزان نیاز خویش به ارزهای خارجی با کاهش بهای نفت به مبارزه برخیزند. چنانکه دیدیم، طی کنفرانس ژنو، ایران به دلیل مواجهه با کمبود شدید ذخیره ارزی، بیش از همه به مخالفت با کاهش قیمت نفت برخاست و حتی حاضر بپذیرش قیمت ۳۵ دلار برای هر بشکه که از جانب کشورهای لیبی و الجزایر نیز مورد تأیید قرار گرفته بود، نگشت. البته رژیم سعی داشت این مخالفت بی‌چون

و چرای خویش را به حساب سخت‌کوشی خویش در مبارزه ضد امپریالیستی قلمداد کند. لیک همانگونه که گفتیم شدت این مخالفت نسبت مستقیم با حدت کمبود ارزهای خارجی دارد. و برای آنکه به بدانیم حدود نیاز جمهوری اسلامی به ارزهای خارجی به چه میزان است، کافی است بدانیم در حالیکه ذخیره ارزی نزدیک به صفر است، طبق آمار کمیسرک ایران فقط طی قرار ماه گذشته مبلغی حدود ۱/۷۰۰ میلیون دلار یعنی مبلغی حدود ۱۳/۵ میلیارد تومان پرداختهای ارزی کشور بوده است که این مبلغ طی ماههای بعد از قیام بی سابقه آیت و میدانیم که تقریباً "تنها طریقیتی که رژیم توسط آن قادر به جلب ارزهای خارجی است، فروش نفت است که طبق منابع خارجی (علت ذکر منبع خارجی از این نوشت که جزایر ایران همه از میزان صادرات آگاهند، چرا که رژیم آنسرا جزء اسرار نظامی میدانند) در خرداد ماه حدود ۸۰۰ هزار بشکه در روز بوده است که با توجه به توان فنی رژیم، موقعیست جنگی وضع بازار رقیمی منطقی می‌نماید. بنا بر این رژیم فقط طی ماه خرداد کمترین موازنه‌ای برابر با ۶/۷ میلیارد تومان داشته است.

$$= \frac{13.500.000.000 \times 20 \times 24 \times 30}{800.000.000} = 6.780.000.000$$

بی جهت نبود که در اولین دیدار هیئت دولت با خمینی، با هنریکی از سه مشکل اساسی رژیم را کمبود ذخیره ارزی عنوان نمود و متعاقب آن باز دید پرمعنائی رجائی از جوهرات بانک مرکزی به وقوع پیوست.

اما نکته قابل تذکر اینکه طبعاً "مرف نیاز به درآمد های ارزی و نتیجتاً" مخالفت با کاهش بهای نفت، هرگز دلیلی بر ارتجاعی بودن عملکرد رژیم در درون اوپک نیست. لیک هرگاه این برخورد با توجه به کمبود حرکت رژیم در چهارچوب کلی مسئله نفت و اوپک انجام گیرد، بیان و محتوای خاص خویش را می‌یابد که همانا ارتجاعی بودن آنست. چرا که رژیم از سدوری کار آمدن سعی در استخراج و فروش هر چه بیشتر نفت و بوجود آوردن -

یک پشتوانه ارزی قوی برای خریدهای چند میلیار دللی اش از امپریالیستها نموده و از افتتاحات خود میداند که برای مدتی قادر به صدور ۳/۵ میلیون بشکه در روز شده است. که البته به جهات مختلف و از جمله شدت مبارزه طبقاتی، ضعف فنی، و مدیریت، عدم برنامه، تحریم اقتصادی و نهایتاً "جنگ قدره ادا ماهه و با افزایش

میزان تولید نبوده است. و آنگونه که آیت الهی معاون وزیر نفت میگوید: "ما حتی میتوانیم به مرز ۵ میلیون بشکه در روز برسیم و مشکل عمده ما فقط بازار جهانی و (مسائل) امنیتی است" (مصاحبه مطبوعاتی بتاریخ ۶۰/۳/۶)

و درست از همین زاویه یعنی بدلیل عدم توانایی در تولید بیشتر رژیم با کاهش بهای نفت که میتوانست به میزان شدت جذب ذخایر ارزی وی صدمه‌ای وارد سازد، مخالفت ورزید. و غالباً اینجاست که وقتی کنفرانس مذکور با شکست مواجه شد و به سبب اشباع بازار قیمتتها خود بخود روبه کاهش خواهند نهاد، و چشم -

انداز کاهش ذخایر ارزی ایران همچون روز روشن است، غرضی وزیر نفت به امپریالیستها قول میدهند که با این وجود ایران به خریدهای کلان خود از آنان ادا خواهد کرد چرا که بقول او: "ما اگر فروشنده خوبی بنموان نفت نیاستیم موقعیت خوبی داریم که بتوانیم موجب رونق بازاری تولید کشورهای صنعتی شویم. صنایع متوسط و سبک غرب علامتند تولیدات خود را بدون واسطه قرار دادن دلار بفروشند" (جمهوری اسلامی ۶۰/۵/۲۹)

خلاصه اینکه سوای مخالفت نسبی لیبی و الجزایر با کاهش نفت، بقیه‌ای مواضعی ارتجاعی و برای دستیابی به اهداف ضد خلقی و در جهت خدمت به امپریالیستها با این کاهش قیمت به

مخالفت پرداختند و مخالفت لیبی و الجزایر نیز که با توجه به موقعیت بازاری - های نفتی، افزایش نرخ برابری دلار میزان قدرت نیروهای درون اوپک و غیره انجام گرفت، بطور نسبی بوده و مطلق و چنانکه دیدیم این دو کشور نیز با ۱ دلار در هر بشکه و پذیرش ۳۵ دلار بعنوان قیمت پایه موافقت نمودند و تنها ایران و عربستان این پیشنهاد را مردود شمرده، بطوریکه کنفرانس با شکست مواجه گردید شکستی که در عین حال یک پیروزی بزرگ برای کمپانی‌های چهارگانه سو، موبیل، استاندارد اوپیل اوف کالیفرنسیا و تکزا کو بود که در کار رتلی بنام آرا مکو کرده‌ام آمده‌اند. چرا که این کارتن عملیات استخراج، تصفیه و فروش بیش از ۹۰ درصد از نفت عربستان را در دست دارد. و ادا ماه تولید سرآمد و عربستان برای آنان بمعنی آن است که سودهای افسانه‌ای بیشتری کسب کنند، از قبای خویش هر چه بیشتر پیشی گیرند، از دلارهای نفتی آمریکا در اروپا بکاهند، از تولید مستقل کشورهای چون لیبی و الجزایر بکاهند و نتیجتاً "ثابت‌نرابا مشکلات مالی روبرو سازند و.....

نابود باد امپریالیسم جهانی بسرگردگی امپریالیسم آمریکا
وپایگاه داخلیش

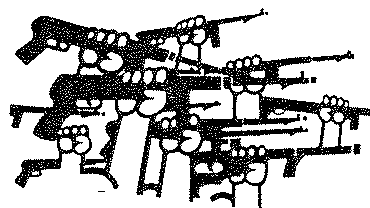
پتک است خون من، درد دست کارگر داس است خون من درد دست بزرگر

محمد عظیمی، حسین پورقنبری و کامیار اسماعیل زاده، رفیق عبدالکریم میارزات خود را از سالهای قبل از قیام آغاز کرده بود و پس از قیام بهمن ۵۷ ضمن کار در اسکله بندرعباس، با تمام توان خود در راه برقراری شورهای کارگری تلاش و مبارزه میکرد. رفیق کریم با خون خود تداوم بخش مبارزه برای برپائی شوراهای انقلابی کارگری شد.

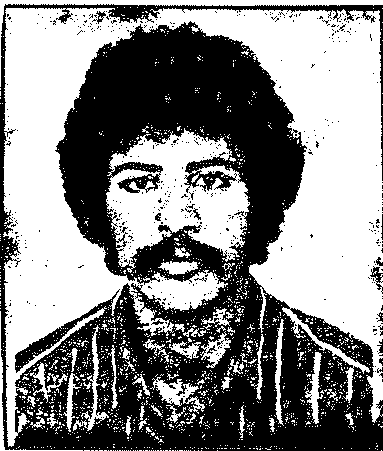
« پیشگام شهید، فدائی خلیق عباسعلی شریفیان متولد ۱۳۲۳ در بیست و چهارم مرداد همراه چند انقلابی دیگر، بدست دژخیمان اعدام شد.



رفیق عباسعلی شریفیان چهل و هشت ساعت پس از دستگیری به حالت اغما و بیپوشی در شکنجه شکنجه به بیمارستان منتقل شد. اما جلادان حتی اجازه ندادند او معالجه شود. این دانش آموز پیشگام پرشور و انقلابی، همراه با یاران فدائی و مجاهد خود، شهدا: عبدالمحمد نظری، کریمت برخوردار، سنجری، علیرضا قاسمیان، محمدخوایی، و مهدی ترابی در سحرگاه شنبه بیست و چهارم مرداد در سحرگاه سحرگاه شهدای خلق پیوستند.



بندرعباس



نیمه شب ششم مرداد ما، صدای گلوله - های جلادان جمهوری اسلامی در فضای زندان شدک شغوبی جیدوش رزمنده، خلق به خاک و خون غلطیدند. فدائی خلق کارگری پرشور، رفیق عبدالکریم عبدالله پورورفقای گروه چریک های فدائی خلق، محمد تقی ترابی، محمدیردانی،

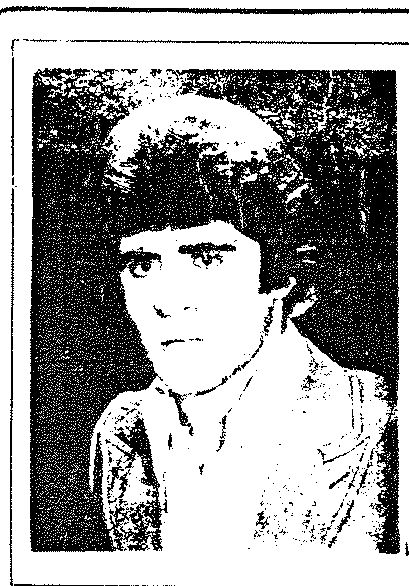
در یکی دو هفته اخیر همراه با ادا مه پورش وحشیا نه و ددمنشا نه رژیم جمهوری اسلامی به نیروهای انقلابی و مبارزان میهنمان، در ادا مه اعدام های دستجمعی وبدون محاکمه رژیم در بیدار دگا ههای چند دقیقه ای و مضحک و نمانی، چند رفیق فدائی نیز در مقابل جوخه های اعدام قرار گرفتند.

قبریز

رفیق مهدی یوسفی حسن کهل در سال ۱۳۴۰ در محله فقیرنشین "مارالان" شیریز بدنیا آمد. او در سنین مدرسه، تا بیست و نه به کار اجتماعی می پرداخت تا جرج - تحصیل خود را فرا هم کند. رفیق مهدی در سالهای ۵۷ - ۵۶ با اعتلای جنبش انقلابی خلق به صفوف مقدم مبارزه علیه رژیم وابسته و منفور پهلوی پیوست. او در همان دوران با سازمان آشنا شد و از آن پس با تمام نیرو و توان خود در پیش برد اهداف و آرمان های انقلابی سازمان کوشید. این رفیق پرشور، هنگام بخش اعلامیه در تبریز دستگیر شد و پس از تحمل شکنجه های وحشیانه دژخیمان جمهوری اسلامی و در حالیکه لب از لیب نگشوده و اسرار خلق و سازمان خود را حفظ کرده بود، روز هفتم مرداد ما اعدام شد.

ارومیه

پس از تهاجم گسترده رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی به آزادیهای سیاسی و حقوق دمکراتیک نوده ها، رفیق های هوادار سازمان در ارومیه بخاطر اعتراض به سرکوب و اختناق دست به یک راهپیمائی در تاریخ ششم تیر ماه می زنند که منجر به درگیری و شهادت رفیق محمدرضا قصاب آزاد (امیر) شد. در همان درگیری رفیق ابوب ملکی نیز دستگیر شد و در شکنجه گاه های رژیم جمهوری اسلامی، تات شکنجه قرار گرفت اما این انقلابی صادق مرگ را بر خیانیت به خلق ترجیح داد. رفیق شهید ابوب ملکی در سال ۱۳۲۹ در روستای کهریز متولد شد، او که در محیطی سرشار از رنج و محرومیت و فقر بزرگ شده بود، مشکلات و مصائب روستائیان را از نزدیک می شناخت و با تمام توان خود برای رهایی زحمتکشان به صفوف انقلابیون پیوست و از تاراجان خود نیز دریغ نکرد.



ترور، شکنجه، زندان به نفع غارتگران، آزادی سیاسی، شورای انقلابی، به نفع زحمتکشان

بندر خمینی

رژیم جمهوری اسلامی جهت استثمار هر چه بیشتر کارگران، بهمان شیوه های آریامهری متوسل شده است. اخیراً "مقامات مکتبی بندر جهت کنترل شدید کارگران و هر چه بیشتر کار کشیدن آنان از کارگران خواسته اند (از تاریخ ۱۷/۵/۶۰) از کارت ناعت زن استفاده نمایند بدین ترتیب که هر کارگری هنگام ورود (تایم کارت) بر سر داشته به مسئول قسمت خود بدهد و در آخر وقت کارت امضا شده را به محل خود بیاورد و بگذراند. در طول روز وقت او مدکارگران باید در کارت توسط مسئول ثبت شود. کارگران از آنجا نیکه با این شیوه های آریامهری کاملاً آشنا بودند و متحد و یکپارچه، از گرفتن کارتهای مزبور خودداری کردند. مقامات، همان روز جلسه ای تشکیل داده و پس از بررسی وضعیت، بخشنامه ای صادر کردند که طبق آن ۴۸ ساعت به کارگران مهلت داده شده بود که تن به این شیوه استثمار کارگران ندهند و گرنه از کار اخراج می شوند و این تنها گوشه ای از حرکات فدکارگری رژیم جمهوری اسلامی است.

شادگان

خواستگاری رژیم تا بدین حد رسیده است که تیم های فوشال را نیز کنترل می کنند و فقط فالانها و مذهبیون طرفدار آنها حق شرکت در این تیمها را دارند. در نامه ای که سیاه با ساداران بنده تر بیت بدنی نوشته است گفته شده از آنجا که تیم "شماز" یک تیم کمونیستی است، باید منحل شود. سیاه در این نامه از تربیت بدنی خواسته است تا این موضوع را به تیم مذکور با بلاغ نماید و صفا خواستار ارسال تمام پرونده ها به سیاه شده است. سایر تیمها به این موضوع اعتراض کرده و اعلام نموده اند که در صورت انحلال تیم فوق، سایر تیمها نیز از بازی خودداری خواهند کرد. این اعمال نشانگر ما هیت رژیم است که تنها با زور سر نیزه می خواهد خود را بر جا ممانع نماید. بیایداداریم که رژیم شاه نیز حتی حق ورزش را از مخالفان خود سلب کرده بود و اینک رژیم جمهوری اسلامی همان شیوه را دوباره تجربه می کند. ما این اعمال تنها مرگ رژیم را نزدیکتر خواهد ساخت.

خلق قهرمان لیبی در برابر تجاوزات امپریالیزم آمریکا قاطعانه خواهد ایستاد

روز چهارشنبه گذشته جنگنده های اف ۱۴ آمریکا ضمن تجاوز به حریم فضایی و دریایی لیبی واقع در مدیترانه سه دو هواپیمای آن کشور را سرنگون کردند. این عمل امپریالیزم آمریکا گوشه ای از سیاستهای تجاوزکارانه این کشور و سایر هم پیمانانش در جهت سرکوب و انقلاب در کشورهای مترقی و انقلابی و جنبشهای رهاشی یعنی می باشد چرا که لیبی از جمله کشورهای مترقی است که در جهت کمک های مادی و تبلیغاتی به جنبشهای رهاشی بخش از جمله جنبش

خلق فلسطین نقش بسزائی دارد. همزمان با این مانور هوایی آمریکا که بخشی از مانور بیمان نا تو محسوب میشود مصر نیز دست به مانورهای در مرزهای لیبی زده است و این امر بیانشگر توطئه مشترک امپریالیزم آمریکا و کشورهای دست نشانده اش بر علیه بسک کشور مترقی است. بدینال شهاب نظامی امپریالیزم آمریکا به حریم فضایی لیبی و سرنگونی هواپیماهای لیبیایی مردم لیبی روز جمعه گذشته تظاهراتی در شهرهای عمده لیبی از جمله طرابلس و سنسازلی بر پا کردند و ضمن طرح شعارهای بر علیه امپریالیزم تجاوزکار آمریکا و سایر هم پیمانانش، آمادگی خود را برای مقابله با هرگونه تجاوز اعلام داشتند.

بازرس گرفتن خانه های آوارگان جنگ

یک روز قبل از مراسم روز قدس با ساداران سرمایه وسیع منطقه آاره - نشین شهر نجف آباد خیابان منتظری، از آوارگان خواستند که روز بعد در مراسم قدس شرکت کنند. آنان اعلام داشتند که اتوبوسهایی برای بردن آنان اختصاص داده اند. روز بعد اتوبوسها آمدند اما عده بسیار کمی حاضر به شرکت در مراسم شدند. بعد از مراسم، سیاه با ساداران وسیع از مردمی که در مراسم شرکت نکرده بودند خواست که در عرض ۲۴ ساعت خانه ها را تخلیه کنند. اما مردم زحمتکش زیر بار نرفتند و در پاسخ آنان گفتند: "خانه برای ما پیدا کنید تا از اینجا برویم". با این ترتیب و با این شیوه ها رژیم سعی دارد توده های زحمتکش را که بخاطر مسائل سیاسی از اینجا آواره و بی خانمان شده اند با زور سر نیزه بدینال خود بکشد اما تاریخ نشان داده که هیچ رژیمی از طریق زور و اعمال فشار نمی تواند ابدار بماند و محکوم به نابودی است.

سازمان به مبارزه خود ادامه داد. در جریان جنگ ارتجاعی دولتهای ایران و عراق رفیق داریوش توسط مزدوران رژیم جمهوری اسلامی در آبادان دستگیر شد و پس از آزادی، را خواستند که آبادان را ترک کند. او و جوجنگ زدگانی بود که در شیراز اکن گردید و با لاف در تار ریش شنبه شب ۶۰/۵/۲ توسط باندهای سیاه وابسته به حزب جمهوری اسلامی ترور شد. او از مدتها قبل بخاطر مبارزات پیگیرش توسط این باندها شناسایی شده بود.

ترور ناجوانمردانه رفیق فدائی داریوش شغائیان

با ردیکر دست جلادان خلق به غیور رفیقی از فدائیان خلق آغشته گشت و او را در تاریکی شب ترور کردند. رفیق داریوش در یک خانواده کارگری در شهر آبادان متولد شد. منقبات زندگی را از او آن کودکی بخوبی لمس میکرد. آشنائی با زندگی کارگران و خواسته های آنان از وی رفیقی پر شور ساخت و در مبارزات خلق در سالهای ۵۶ و ۵۷ بعنوان عنصری فعال شرکت جست و رهبری کننده تظاهرات فاجعه سینما رکس آبادان بود و از آنجا که برای مبارزه مرزی نمی شناخت و آرمانش رهاشی نمایی کارگران و زحمتکشان و خلقهای سراسر جهان بود. برای مدتی به صفوف رزمندگان فلسطین پیوست. پس از اشغال رویزیونیستهای کمیته مرکزی از سازمان رفیق قاطعانه در مقابل سیاستهای خائسانه و جاکرمشانه آنان ایستاد و در صفوف رزمندگان

هموطنان مبارز!

بمنظور آگاهی از مبارزات خلق قهرمان کرد و اطلاع از اخبار رویدادهای کردستان به رادیوی حزب دموکرات کردستان، روی موج کوتاه ۴۱، ردیف ۴۱ متمرکز کنید. برنامه های این رادیو همه روزه از ساعت ۵ تا ۶ بعد از ظهر به زبان کردی، ۶ تا ۷ به زبان فارسی، ۷ تا ۸ به زبان آذری پخش میشود. لازم به تذکر است که این توضیح بهیچوجه بهیمنای تأیید همه مواضع این رادیو از جانب ما نمی باشد.

رفقا، هواداران!

همانطور که در کار شما ره ۱۱۸ اعلام شد برای تسهیل در امر توزیع نشریه کار سازمان، توزیع آنرا مجازاً اعلام کردیم اما از آنجا که آسوی رفقا و هواداران در این مورد مسئول شده است، لازم دیدیم مجدداً با اطلاع رفقا و هواداران برسانیم که نشریه کار همچنان مجازاً توزیع شود.

پرونتار و آزادیهای دموکراتیک

کمیته چهارم